



## حقوق جزای اختصاصی بر مبنای کود جزای ۱۳۹۶

(۱۷)

### جرایم فساد اداری مرتبط به اسناد

Corruption Crimes Related to Documents

جدی ۱۳۹۸

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: [www.idlo.int](http://www.idlo.int)

---

## در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

### قوانین مورد استفاده:

۱. کود جزای افغانستان، سال ۱۳۹۶؛
۲. قانون مبارزه با فساد اداری، ۱۳۹۷.
۳. قانون مدنی، ۱۳۵۵.
۴. قانون اجراءات جزایی، ۱۳۹۳.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۶

### فصل اول

#### جرم تزویر اسناد

مبحث اول: تعریف تزویر و اسناد:.....	۹
گفتار اول: مفهوم تزویر و انواع آن: .....	۹
گفتار دوم: مفهوم اسناد و انواع آن: .....	۱۳
مبحث دوم: عناصر جرم تزویر:.....	۲۳
گفتار اول: عنصر مادی جرم تزویر: .....	۲۳
گفتار دوم: عنصر معنوی: .....	۳۲
مبحث سوم: جزای جرم تزویر:.....	۳۵
الف: جزای تزویر اسناد مهم دولت: .....	۳۵
ب: جزای تزویر اسناد دارای اهمیت کمتر: .....	۴۰
ج: جزای تزویر توسط موظف خدمات عامه یا سایر اشخاص: .....	۴۱
د: تزویر در متن یا شکل اسناد هنگام تحریر: (تزویر معنوی):.....	۴۳
ه: تزویر تصدیق نامه های طبی توسط طبیب:.....	۴۷
و: تزویر سند معلولیت توسط اشخاص عادی:.....	۴۹
ز: استعمال سند تزویری: .....	۵۰
ح: استفاده بدون صلاحیت از مهر: .....	۵۲

نتیجه گیری فصل اول: ..... ۵۶

## فصل دوم

### محو یا شکستادن مهر

مبحث اول: مفهوم و عناصر جرم محو یا شکستادن مهر: ..... ۶۲

گفتار اول: مفهوم جرم محو یا شکستادن مهر: ..... ۶۲

گفتار دوم: عناصر جرم محو یا شکستادن مهر: ..... ۶۴

مبحث دوم: جزای جرم محو یا شکستادن مهر: ..... ۷۱

گفتار اول: جزای جرم محو یا شکستادن مهر، نظر به وصف مرتکب: ..... ۷۱

گفتار دوم: مجازات جرم محو یا شکستادن مهر، به سبب اهمال موظف: ..... ۷۴

گفتار سوم: جزای جرم محو یا شکستادن مهر محکمه: ..... ۷۵

نتیجه گیری فصل دوم: ..... ۷۶

## فصل سوم

### سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

مبحث اول: سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی: ..... ۷۹

گفتار اول: تعریف و مفاهیم: ..... ۷۹

گفتار دوم: عناصر جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی: ..... ۸۰

گفتار سوم: جزای سرقت و یا تلف کردن اسناد رسمی: ..... ۹۱

مبحث دوم: پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل: ..... ۹۷

گفتار اول: شرح مفاهیم: ..... ۹۸

گفتار دوم: عناصر جرم پنهان نمودن مکتوب، پست یا پارسل: ..... ۹۹

گفتار سوم: جزای جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل: ..... ۱۰۱

نتیجه گیری فصل سوم: ..... ۱۰۲

مآخذ ..... ۱۰۴

به نام خداوند بخشاینده و مهربان

### مقدمه

در این کتاب آموزشی جرایم فساد اداری مربوط به اسناد، مهر، امضاء و نشان انگشت بررسی می‌شود.

#### اهمیت موضوع:

در زندگی امروزی، کتابت و اسناد عمده‌ترین و مهم‌ترین وسیله‌ای برای ایجاد، انهاء و اثبات حقوق و تعهدات بوده و در بسا موارد دیگر، برای اثبات برخی از تعاملات و قراردادها چون عقد ازدواج، ملکیت عقارات و برخی از اموال منقول و یا هم وقایع حقوقی معین، قانونگذار وجود اسناد تحریری را لازمی میدانند، از همین جاست که در تنظیم و اثبات معاملات، مردم بالای اسناد متذکره اعتماد و بر محتویات آن اطمینان دارند، از سوی دیگر، دولت‌ها نیز در پیش برد و تنظیم مهام و وظایف متعدد شان، اسناد و وثایق متنوعی را صادر و ذریعه آن، احکام، فرامین، اثبات وقایع و حالات قانونی و قضایی را مستند سازی می‌نمایند، لذا ایجاب می‌نماید تا اسناد متذکره از ضمانت‌ها و حمایت قانونی کافی برخوردار بوده و هر نوع تعدی که اعتماد عمومی بر چنین اسناد را متزلزل، حقایق مندرج آن را معیوب و یا به طور کلی زایل سازد، قابل پیگرد قانونی قرار گیرد، زیرا هر نوع تعدی بر اسناد که یکی از مهمترین وسایل اثبات، دانسته می‌شود، باعث آن می‌گردد تا اطمینان و اعتماد عمومی مردم بالای آن تضعیف و در نتیجه باورمندی مردم بر استقرار معاملات و سایر نواحی قانونی زندگی، کاهش یابد.

#### ساختار جزوه آموزشی:

از همین جاست که قانون‌گذار، احکام و مجازات جرایم معینی چون تزویر، محو یا شکستادن مهر و سرقت و اتلاف اسناد - که همه آنها نوعی از تعدی بالای اسناد دانسته می‌شود - را در کود جزا تنظیم و بیان نموده است که در این جزوه درسی تلاش می‌گردد تا هر کدام طی فصول جداگانه مورد شرح و تحلیل قرار گیرد.

فصل اول: جرم تزویر اسناد

فصل دوم: جرم محو و یا شکستاندن مهر

فصل سوم: سرقت و اتلاف اسناد

روش نگارش:

در این جزوه آموزشی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و تلاش صورت گرفته است تا جزوه آموزشی حاضر جنبه کاربردی برای ثارنوالان، قضات و مساعدین حقوقی داشته باشد. لذا به منظور جلوگیری از طولانی شدن جزوه، از بحث های نظری محض، و بحث های ثانوی، اجتناب صورت گرفته است. قضایای فرضی، سوالات مباحثی، کارهای گروهی صنفی، و تحلیل و تفکر انتقادی موضوعاتی هستند که در تطبیق این برنامه آموزشی در نظر گرفته شده اند. و هدفش این است که هر اشتراک کننده در برنامه آموزشی سهم بگیرد و روحیه حاکم بر آموزش، اشتراک کننده محور باشد. اما لازم نیست تا تمام این قضایا و سوالات در صنف مورد مناقشه و تحلیل قرار گیرد، بلکه آموزگار با در نظر داشت وقت تخصیص داده شده، برخی از آنها را انتخاب می کند.

## فصل اول

### جرم تزویر اسناد

#### اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مفهوم تزویر و اسناد را بیان نمایند؛
- ☞ عناصر تشکیل دهنده جرم تزویر اسناد را تشخیص درست بدهند؛
- ☞ انواع تزویر را توضیح دهد؛
- ☞ فرق میان جعل و تزویر را بیان نموده و تداخل میان "جرم جعل و جرم تزویر را مرفوع نموده و هر یک را وصف جرمی صحیح بدهند؛ و
- ☞ جزای جرم تزویر اسناد را شرح دهد.

#### عناوین:

- مفهوم جرم تزویر اسناد؛
- عناصر تشکیل دهنده جرم تزویر اسناد؛ و
- جزای جرم تزویر.

## فصل اول

### جرم تزویر اسناد

تزویر اسناد ویا تغییر حقایق آن، از جمله رفتارهای جرمی است که در رأس جرایم تعدی بر اسناد قرار داشته و ارتکاب آن باعث مختل شدن باورمندی مردم بر اسناد متذکره و به دنبال آن منجر به عدم استقرار معاملات و سایر امور زندگی می‌گردد.

کود جزا در فصل هفتم باب چهارم کتاب دوم، احکام جرم تزویر را در طی (۹) ماده از ماده (۴۳۶) تا ماده (۴۴۴) بیان نموده است.

در سطور ذیل، ضمن سه مبحث، مفهوم، عناصر و جزای جرم تزویر و جرایم مرتبط به آن<sup>۱</sup> شرح می‌گردد.

#### مبحث اول: تعریف تزویر و اسناد:

این مبحث اختصاص یافته است به بیان مفهوم تزویر و انواع آن و همچنان مفهوم اسناد و انواع آن.

#### گفتار اول: مفهوم تزویر و انواع آن:

##### مطلب اول: مفهوم تزویر:

تزویر در لغت، از باب تفعیل و از فعل "زَوَرَ" به معنای دروغ و باطل، آراستن و زینت بخشیدن دروغ، آراستن کلام یا چیز دیگری، اصلاح یا آماده نمودن چیزی خواه به خیر باشد یا شر، و تهمت بستن آمده است.<sup>۲</sup>

##### در اصطلاح حقوقی:

<sup>۱</sup> - فصل تزویر در کود جزا از سه نوع جرم بحث می‌کند: جرم تزویر و دو جرم مرتبط به جرم تزویر که عبارت اند از استفاده

بدون صلاحیت از مهر (ماده ۴۴۰) و جرم استعمال سند تزویری (ماده ۴۴۳).

<sup>۲</sup> - ابن منظور، جمال الدین محمد، لسان العرب ۴/۳۳۶-۳۳۷، دار صادر بیروت.

در فقره (۱) ماده ۴۳۶ کود جزای افغانستان، تزویر چنین تعریف گردیده است:

"تزویر عبارت است از ساختن نوشته، سند، ساختن مهر، امضا، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم خور ساختن، الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب".

ملاحظه می شود که از دیدگاه کود جزا، تزویر شامل رفتارهای ذیل می گردد:

- ا. ساختن نوشته، سند، مهر و امضا به قصد تقلب.
- ب. خراشیدن، تراشیدن، قلم خورساختن، الحاق، محو، اثبات و یا سیاه کردن سند به قصد تقلب.
- ج. تقدیم یا تأخیر تاریخ حقیقی سند به قصد تقلب.
- د. الصاق نوشته به نوشته دیگر به قصد تقلب.
- ه. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن، به قصد تقلب.

قانون جزای ۱۳۵۵ افغانستان نیز در ماده (۳۰۹) خویش، از تزویر تعریف مشابهی داشته و در زمینه چنین پیش بینی نموده است: "تزویر عبارت است از ساختن نوشته ها، اسناد، امضاء و مهر خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافت، تبدیل، تقلید یا حذف".

تعریف تزویر نزد برخی از دانشمندان حقوق: محمود نجیب حسنی تزویر اسناد را چنین تعریف نموده است:

"تزویر در اسناد عبارت است از: تغییر حقیقت در نوشته (سند)، بابکار گیری یکی از روش های یاد شده در قانون، به نحوی که تغییر مذکور ضرری را ایجاد نماید و توأم با نیت استفاده از همان سند تزویری برای هدفی باشد که به مقصد آن تزویر صورت گرفته است".<sup>۱</sup>

در تعریف دیگری آمده است:

۱ - حسنی، محمود نجیب، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص: ۲۱۵، دار نافع للطباعة والنشر ۱۹۷۸ القاهرة.

" تزویر عبارت است از تغییر حقیقت در سند، به قصد تقلب و به یکی از شیوه های تعیین شده در قانون به نحویکه منجر به وقوع ضرر گردد".<sup>۱</sup>

با مقایسه تعریف کود جزا و آنچه دانشمندان حقوق گفته اند، ملاحظه می شود که دانشمندان در تعریفات شان روی «تغییر در حقیقت» تأکید نموده اند. و در کود جزا نیز همین مسأله اما با بیان اشکال و انواع تغییر در حقیقت بیان شده است مانند ساختن، خراشیدن، تراشیدن، تقدیم و..... چون این رفتارها در واقع اشکالی از "تغییر در حقیقت" به حساب می آید. اشکال مذکور در مباحث بعدی زیر عنوان عناصر جرم تزویر شرح می گردد.

### مطلب دوم: انواع تزویر :

تزویر به دو طریقه مادی و معنوی صورت می گیرد:

#### فرع اول: تزویر مادی:

تزویر مادی آن است که اثر مشهود و فزیکتی دست کاری آن، در روی نوشته و یا سند، بجا بماند، خواه آثار مذکور بمجرد حواس، قابل لمس و درک باشد یا اینکه کشف آن به متخصص و اهل خبره نیاز داشته باشد. به عبارت دیگر، تزویر مادی آن است که با دقت در سند یا نوشته و دیدن مظهر و علامات مادی چون خط زدن، محو کردن، سیاه کردن، کاپی نمودن امضا و خط دیگران، متیقین خواهیم شد که در سند یا نوشته مذکور، تغییر و تزویری به کار رفته است.

تزویر مادی گاهی در اثناء نگارش سند و نوشته و گاهی هم بعد از تکمیل شدن آن، صورت می گیرد، مانند اینکه تزویر کننده چیزی را نوشته و به کسی نسبت دهد که وی از آن بی خبر باشد، یا اینکه سند تهیه شده و تمام شده را دست کاری نموده، معلومات مندرج آنرا به طور کلی یا جزئی از بین ببرد و یا چیزی به آن علاوه نماید.

۱ - الدرّة، ماهر عبد شویث، شرح قانون العقوبات، ص ۲۱، المكتبة القانونية، بغداد، (نسخه PDF)

**فرع دوم : تزویر معنوی:**

تزویر معنوی آن است که نویسنده سند، خلاف اراده و هدف یک شخص، مفاهیم و یا اقوالی را به گونه کذب و تحریف به وی نسبت دهد، چنانچه شخصی که مکلف است معلومات مشخص و معینی را درج وثیقه یا سندی بنماید، خلاف حقیقت و یا اراده شخصی که معلومات متذکره به وی نسبت داده میشود، معلومات دیگری را در سند متذکره درج نماید.

ملاحظه میشود که در تزویر معنوی ظاهراً آثار و علائم دست کاری در سند، دیده نمی شود، بلکه تحریف و یا تغییر حقایق در اصل در نگاشتن و یا تهیه سند مذکور به کار برده شده است، به عبارت دیگر، ظاهر سند نشاندهنده تزویر و تغییر شکلیات آن نبوده بلکه برای اثبات و کشف تزویر در سند مذکور؛ ایجاب می نماید تا حقیقت از مصادر و منابع دیگری جستجو و شناسائی گردد.

برخلاف تزویر مادی، وقوع تزویر معنوی جز در هنگام نگاشتن سند، قابل تصور نبوده و بعد از تکمیل شدن سند، وقوع تزویر معنوی ممکن نیست، زیرا تقلیب حقایق و تغییر محتویات و مفاهیم گفته شده و یا ارایه شده، جز در هنگام نگارش آن و توسط شخصی که معلومات متذکره را درج می نماید، متصور نیست، از همین رو تزویر معنوی غالباً از جانب موظف خدمات عامه و گاهی هم توسط اشخاص عادی، صورت می گیرد، در حالیکه تزویر مادی ممکن است توسط موظف خدمات عامه در حین نگارش و تهیه آن، و گاهی هم توسط افراد عادی بعد از اكمال سند و نوشته صورت گیرد.<sup>۱</sup>

**فرع سوم: فرق میان جعل و تزویر :**

نگاهی به کود جزا نشان می دهد که موضوع جرم "جعل" پول مروج و اسناد بهادار و موضوع جرم تزویر نوشته، اسناد، امضاء و مهر است. قانون گذار درین راستا تا حدی دقت نیز داشته است، چنانچه رفتارهای جرمی مرتبط به پول مروج را چون ساختن، دست کاری، تغییر آوردن در محتوای نوشته ها و علائم پول را گاهی جعل، و گاهی هم "معیوب ساختن" پول رایج نامیده است<sup>۲</sup>، اما اعمال همین رفتارها در رابطه

۱ - حسنی نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص ۲۲۷- ۲۳۰ (با تصرف)

۲ - ملاحظه شود مواد ۲۸۴ و ۲۹۲ کود جزا.

به سند را مشخصاً تزویر خوانده است.<sup>۱</sup> این روش قانون گذار در کود جزا، در خور ستایش است، زیرا در برخی قوانین قبلی این دقت رعایت نشده و هردو اصطلاح گاهی به گونه مترادف و گاهی هم بدیل همدیگر به کار برده شده است.<sup>۲</sup>

همچنان ایجاد تحریف یا تصرف در سند نوشته و یا ساختن متقلبانه آن به گونه که باعث ایراد ضرر به دیگری گردد، تزویر محسوب گردیده و ساختن و ایجاد تغییر در پول مروج، جعل می باشد.<sup>۳</sup>

### گفتار دوم: مفهوم اسناد و انواع آن:

اسناد بهترین و موثق ترین وسیله برای تعبیر اراده و درج وقایع و معلومات است و در عصر حاضر در میان وسایل متعدد اثبات، حایز اهمیت وقوت بیشتری است که در قوانین کشورها از جمله افغانستان نیز به حیث یکی از مهمترین وسایل اثبات شناخته شده است، زیرا حقوق، تکالیف و گفته های اشخاص ذریعه درج آن در یک سند، به گونه بهتر حفظ و ثابت گردیده و سپس نه تنها خود شخص، بلکه ورثه آنها نیز می توانند بر آن استناد نمایند.

اسناد خواه رسمی باشد یا غیر رسمی، حایز اهمیت و از هرگونه تعدی قابل حمایت می باشد، لذا در سطور بعدی تعریف اسناد، انواع و شرایط آن را به بحث خواهیم گرفت.

۱ - ملاحظه شود مواد در ماده های ۴۳۶ - ۴۳۹.

۲ - مراجعه شود به ماده های ۲۹۸ - ۳۰۱ اصول محاکمات مدنی و ماده های ۱۷۹ - ۱۹۱ قانون اصول محاکمات تجارتنی.

۳ - سعید، مرتضوی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰.

## مطلب اول: تعریف اسناد:

سند در لغت به معنای نقطه مرتفع زمین در جلو کوه یا دره، تکیه گاه، و ضم شدن سخن با سخن دیگری می آید، همچنان به معنای مدرک، نوشته قابل استناد، و نیز نوشته ای که وام و طلب کسی را معین سازد و یا مطلب را ثابت سازد، نیز می آید؛ جمع آن اسناد است.<sup>۱</sup>

سند در اصطلاح: در ماده ۹۹۱ قانون مدنی اسناد رسمی و عرفی چنین تعریف شده است: "سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاص خویش آنچه را بحضور شان گزارش می یابد، یا از اشخاص ذیعلاقه کسب میکنند، در آن درج و ثبت نموده باشند.

در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب نموده، مگر اشخاص ذی علاقه به آن امضاء، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد".

ملاحظه می شود که در کود جزا در کنار تزویر "سند" از تزویر "نوشته" نیز یاد شده است. بدین معنی که جرم تزویر ممکن است بالای هر نوع نوشته واقع شود چه خصائص اسناد رسمی را داشته باشد و یا خیر. در قوانین جزایی کشور های دیگر نیز در رابطه به این جرم از کلمه "محرّر" یعنی "چیزی تحریر شده" استفاده شده است که اسناد رسمی و عرفی هر دو را شامل می گردد.

استاد نجیب حسنی، "محرّر" را چنین تعریف نموده است "مجموعه علامات و رموزی است که به گونه اصطلاحی از مجموعه افکار و مفاهیمی تعبیر می کند که از شخص یا اشخاص معینی صادر شده باشد"<sup>۲</sup>.

۱ - الباحث العربی، مادة "سند" : <http://www.baheth.info/all.jsp?term> = سند،

<http://www.vajehyab.com/?qt=like&s=۳۹> = سند

۲ - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص: ۲۴۶.

پس "نوشته ها" یا "اسناد" در حقیقت وسیله‌ است برای تعبیر از یک اندیشه و برای تفاهم و تبادل افکار در یک جامعه که بنابر داشتن ارتباط محکم با تعاملات جاری میان مردم، جایگاه قانونی مهمی را دارا می باشد.

در قانون اجراءات جزایی اسناد چنین تعریف شده است: «اسناد: اوراقی است که حاوی معلومات رسمی یا خصوصی به شمول اوراق تحقیق، گزارش اهل خبره، قرار یا حکم محکمه، نوشته ها، کتاب و یا امثال آن می باشد»<sup>۱</sup>.

### خصائص و ویژه گی های نوشته های موضوع جرم تزویر:

نوشته ها و اسنادی که موضوع جرم تزویر قرار می گیرد دارای خصایص و ویژه گی های ذیل می باشد:

#### الف: کتبی بودن نوشته و یا سند:

در جرم تزویر، نوشته یا سند اهمیت ویژه ای دارد، زیرا این هردو موضوع جرم تزویر قرار می گیرد. نبود نوشته و سند به معنای نبود جرم تزویر است، بناء تغییر حقایق در اقوال یک شخص، به هر وسیله که باشد، وصف تزویر را به خود نمی گیرد.

#### ب: دلالت نوشته یا سند:

نوشته یا سندی که موضوع جرم تزویر قرار می گیرد، باید دارای دلالت و مفهوم معینی باشد. به این معنی که از مجموعه افکار و مفاهیمی تعبیر نماید که باهم مرتبط بوده تأثیری خاصی در معاملات قانونی داشته باشد. بنابراین، نوشته های ارشادی مانند لوحه های رهنمایی و امثال آن موضوع جرم تزویر قرار نمی گیرند.

۱ - قانون اجراءات جزایی (۱۳۹۳). ماده ۴ جزء ۳۱.

**ج: مفهوم بودن و ثبات نوشته یا سند:**

مفهوم بودن یک نوشته یا سند و در عین حال ثبات و دوام آن، نکته دیگری است که باید در جرم تزویر در نظر گرفته شود. یعنی نوشته یا سند مذکور باید طوری نباشد که خود زایل گردد، بلکه برای مدت طولانی ثابت و باقی بوده و هنگام ضرورت بدان مراجعه گردد. بناء نوشته های که رنگ آن با خشک شدن زایل می گردد، و یاهم نوشته روی خاک، ریگ، یخ و امثال آن که به اثر عوامل عادی طبیعی چون حرکت باد، وزش افتاب، ارتفاع حرارت و سایر عوامل، از بین می رود، موضوع جرم تزویر قرار نمی گیرد.

**د: صاحب نوشته یا سند:**

هر نوشته یا سندی دال برین است که سند یا نوشته مذکور از شخص معینی صادر گردیده و میان این شخص و نوشته مذکور ارتباط قانونی وجود دارد، اما شرط نیست که شخص مذکور خود همان نوشته یا سند را نگاشته باشد، بلکه هرگاه شخصی آنچه را که در ذهن دارد به شخصی دیگری املاء بگوید و او آنرا بنویسد، پس مالک سند و نوشته مذکور همان شخص املاء گوینده است نه نویسنده آن، و اگر املاء گوینده وکیل باشد، پس مالک نوشته مذکور، اصیل خواهد بود نه همین املاء گوینده.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص ۲۴۶ - ۲۵۰ (با تصرف)، الدرّة، شرح قانون العقوبات، ص ۲۲.

### فعالیت شماره ( ۱ )

#### سوالات مباحثوی:

۱ - قانون مدنی در تعریف سند، از ورق نام برده است، به نظر شما آیا موضوع جرم تزویر فقط سند است و یا سایر مواد چون تکه، چرم، چوب، مس و امثال آن، موضوع جرم تزویر قرار گرفته می تواند؟

۲ - آیا رسمی بودن زبان نوشته، در موضوع جرم تزویر شرط دانسته می شود، یا اینکه اعمال رفتارهای جرمی در هر نوشته و به هر زبانی که باشد، جرم تزویر تلقی می گردد؟

۳ - هرگاه نقاش در پای یک لوحه نقاشی خویش امضا نموده و شخصی دیگری همان امضا را سیاه کند، یا تغییری در آن وارد نماید، مرتکب جرم تزویر شناخته خواهد شد؟

#### جواب احتمالی:

به نظر می رسد که در هر سه حالت فوق الذکر جرم تزویر قابل تصور است. در صورتی که اشتراک کنندگان دیدگاه دیگری داشته باشند در صنف مطرح نمایند.

## مطلب دوم: انواع اسناد و شرایط آن:

اسناد از حیثیات مختلف قابل تقسیم است. یکی از مهمترین تقسیم بندی های آن، تقسیم اسناد به رسمی و عرفی می باشد که ذیلاً شرح می گردد.

### فرع اول: سند رسمی:

ماده ۹۹۱ قانون مدنی، سند رسمی را چنین تعریف نموده است:

« (۱) سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه براساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاصی خویش آنچه را به حضور شان گزارش می یابد یا از اشخاص ذی علاقه کسب می کند در آن درج و ثبت نموده باشند».

از تعریف فوق به خوبی استنباط می گردد که برای اینکه یک سند رسمی تلقی گردد باید دارای اوصاف و شرایط ذیل باشد:

- ا. معلومات مندرج آن توسط موظف خدمات عامه تحریر شده باشد.
- ب. در حدود احکام قانون تدوین شده باشد.
- ج. در حدود صلاحیت اختصاصی موظف خدمات عامه اجرا شده باشد.

ذیلاً نکات فوق مختصراً شرح می گردد:

الف: معلومات مندرج آن توسط موظف خدمات عامه تحریر شده باشد.

موظف خدمات عامه در جزء سوم ماده چهارم کود جزا تعریف شده است و در بحث رشوت و اختلاس قبلاً روی آن بحث گردید. البته موظف خدمات عامه، هنگامی سندی را تهیه و تحریر میکند که شخصی معلومات و یا گفتنی های خویش را غرض ثبت آن، در حضور وی ارایه نماید، یا اینکه موظف مذکور، به

حکم مکلفیت و صلاحیت وظیفوی خود، چشم دید و یا جریان آنچه را که در حضور وی واقع می‌شود، ثبت و درج نماید.

**ب: در حدود احکام قانون تدوین شده باشد:**

مراد از نگاشته شدن در حدود احکام قانون، یعنی تشریفاتی که قانون در تنظیم سند لازم میدانند رعایت شده باشد. به عنوان مثال در سیستم قضایی افغانستان برخی از اسناد رسمی وجود دارد که شکل، محتوی و ادبیات آن از قبل تعیین شده است، مانند قبالة بیع، حجت، قرض حسن، تملیک خط، تقسیم خط، اجاره خط، اصلاح خط و امثال آن.

**ج: در حدود صلاحیت و اختصاص موظف خدمات عامه اجرا شده باشد:**

منظور از صلاحیت اختصاصی بر حال بودن موظف خدمات عامه، نبود قیود قانونی، و داشتن صلاحیت موضوعی در نگارش یک سند است. بنابر این در صورتی که موظف خدمات عامه، بعد از عزل یا تعلیق وظیفه و یا هم فراتر از صلاحیت های قانون اداری، سندی را تهیه و ترتیب نماید، چنین سندی رسمی تلقی نمی‌گردد.

البته منظور از نبود قیود قانونی حالات خاصی است که یک موظف خدمات عامه، با وصف بر حال بودن، نمیتواند سندی را که برای دیگران ترتیب میکند، همان سند را برای خود نیز تهیه نماید، چنانچه ماده ۲۹۶ اصول محاکمات مدنی حکم میکند که: "قاضی نمیتواند در محکمه ای که ایفای وظیفه می نماید برای پدرکلان، مادر، مادرکلان، اولاد، برادر و خواهر خود و به کارکنان محکمه مربوطه وثیقه ترتیب دهد". بلکه در چنین حالات بنابر حکم ماده ۲۹۷ همین قانون، «وثایق اشخاص مندرج ماده ۲۹۶ در محکمه همجوار ترتیب می‌گردد».

همچنان داشتن صلاحیت موضوعی به این معنی است که هر موظف خدمات عامه نمیتواند هرگونه سند رسمی را که بخواهد ترتیب دهد، بلکه بنابر نوعیت اسناد، صلاحیت های تنظیم کننده گان و نویسندگان آن نیز مشخص گردیده است، طوریکه کارمند ریاست ترافیک و گمرکات نمی تواند وثایق شرعی چون نکاح خط یا سند ملکیت زمین را صادر نمایند.

### فعالیت شماره (۲)

#### سوالات مباحثوی:

- ۱- هرگاه موظف خدمات عامه که در رخصتی رسمی است، سندی را تهیه و طبق صلاحیت های قانونی و اختصاصی خویش، امضا و صادر نماید، آیا سند مذکور، سند رسمی دانسته می شود یا عرفی؟
- ۲- هرگاه موظف خدمات عامه که در رخصتی رسمی به سر میبرد، سند رسمی را تزویر نماید، آیا وی به صفت یک شخص عادی قابل مجازات دانسته می شود یا به صفت موظف خدمات عامه؟

#### فرع دوم: سند عرفی:

#### تعریف سند عرفی:

فقرة (۲) ماده ۹۹۱ قانون مدنی کشور در رابطه به تعریف سند عرفی چنین می گوید:  
" (۲) در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذیعلاقه به آن امضاً، مهر، یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد".

**انواع سند عرفی:**

اسناد عرفی نسبت به اسناد رسمی انواع بیشتر دارد مانند چک، برات اوراق تجارتي، دفاتر تجارتي، نامه های خصوصی وده ها نوع ديگر<sup>۱</sup> که نقطه مشترک همه آنها در این است که شرایط اسناد رسمی در اسناد مذکور متحقق نباشد.

علی الرغم اعتبار و مزایای سند رسمی، مردم به سند عرفی بیشتر روی می آورند چون تهیه سند رسمی دارای شکلیات و زمانگیر است. همچنان گریز از مالیات، نبود امکانات و یا دسترسی به موظفین خدمات عامه، سهولت اعمال فریبکاری و تزویر در اسناد عرفی و تغییر حقایق آن... از جمله اسباب و علل این امر شناخته می شود.

با توجه به کثرت معاملات و بالتبع کثرت اسنادیکه برای توثیق آن تحریر می شود و صفت رسمیت را کسب نمی کند، میتوان گفت که تعداد اسناد عرفی بسیار زیاد است. ذیلاً فقط به برخی از آنها اشاره می گردد.

**الف: مکاتیب امضاء شده:**

طبق فقره اول ماده ۹۹۷ قانون مدنی مکاتیب امضا شده حیثیت سند عرفی رادارد. ملاحظه میشود که قانون مدنی، در این جا میان مکاتیب که توسط کارمندان خدمات عامه تحریر و امضاء شده و مکاتیبی که توسط غیر کارمندان موظف خدمات عامه در نهادهای غیر دولتی تحریر میگردد، تفکیکی نکرده است.

**۲ - تلگرام:**

عبارت از مطلبی است که بوسیله تلگراف، مخابره و بر روی کاغذ نوشته شده باشد، حیثیت سند عرفی

<sup>۱</sup> - الدرّة، شاولش، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص: ۴۲.

رادارد. فقره دوم ماده ۹۹۷ قانون مدنی در زمینه چنین می گوید: "اوراق تلگرامی که اصل آن به تلگرام خانه موجود باشد، حیثیت اسناد عرفی را دارد. ورق تلگرام طبق اصل پنداشته میشود، تا زمانی که دلیلی بخلاف آن ظاهر نشود و در صورتیکه اصل آن از بین رفته باشد، از اعتبار ساقط میگردد".

### ۳ - مینوت مکاتیب:

در کنار اینکه قانون مدنی، مکاتیب امضا شده را سند عرفی خوانده است، ماده ۲۸۸ اصول محاکمات مدنی نیز مینوت مکاتیب، و سایر اوراق امضا شده دفاتر را اسناد عرفی خوانده است، همچنان ماده ۲۹۳ این قانون نیز تأکید میدارد که آن عده از مکاتیب که وصف سند رسمی را حایز نگردیده باشد، حیثیت سند عرفی را دارد، ماده های مذکور در زمینه چنین تصریح می دارد که:

ماده ۲۸۸ قانون اصول محاکمات مدنی: "اسناد رسمی که در ترتیب و تنظیم آن شروط واحکام قانون رعایت نشده باشد حیثیت اسناد عرفی را دارد".

ماده ۲۹۳ قانون اصول محاکمات مدنی: "مینوت مکاتیب، تلگرام و سایر اوراق امضاء شده شعبات که در دفتر مربوط وجود داشته باشد حیثیت اسناد عرفی را دارد".

### فعالیت شماره (۳)

#### سوالات مناقشوی:

تلگرام یکی از وسایل قدیمی مراسلات الکترونیک است. در عصر حاضر بیشتر از رسایل و مکاتبات الکترونیکی معاصر مانند ایمیل، فاکس، پیام های کتبی و انواع مشابه آن استفاده می شود. از دید شما، این مراسلات از لحاظ حقوقی چه ارزش و کدام حیثیت قانونی دارد؟ به تعبیر دیگر، در صورتیکه ایمیل و پیام از یک اداره رسمی دولتی صادر شده باشد، حیثیت سند رسمی را خواهد داشت یا خیر؟

از سوی دیگر، هرگاه شخصی بتواند از طریق هک کردن و یا بکارگیری نرم افزارهای معین، ایمیل و یا پیام کتبی یک اداره رسمی و یا هم اشخاص و دفاتر خصوصی را تزویر نماید، آیا طبق احکام مندرج تزویر در کود جزا، قابل پیگیری خواهد بود یا خیر؟

تذکر: هرچند ماده ۸۵۸ کود جزا، تحت عنوان تزویر الکترونیکی احکام و مجازات تزویر الکترونیکی را بیان نموده است، اما ملاحظه می گردد که در رابطه به سوالات فوق الذکر پاسخ شامل و کافی ندارد.

### مبحث دوم: عناصر جرم تزویر:

جرم تزویر همانند سایر جرایم، دارای عنصر قانونی، مادی و معنوی میباشد. ذیلاً روی عنصر مادی و معنوی این جرم مختصراً بحث صورت می‌گیرد.

#### گفتار اول: عنصر مادی جرم تزویر:

عنصر مادی جرم تزویر شامل فعل و موضوع جرم می‌شود که ذیلاً به شکل فشرده بررسی می‌گردد.

#### مطلب اول: رفتار جرمی:

رفتار مرتکب در جرم تزویر به صورت فعل مثبت صورت می‌گیرد، ماده ۴۳۶ کود جزا، رفتار مرتکب در این جرم را به گونه‌های مختلفی چون: "ساختن"، "خراشیدن"، "تراشیدن"، "قلم خورساختن"، "الحاق"، "محو"، "اثبات"، "سیاه کردن"، "تقدیم سند"، "تأخیر سند"، "الصاق" و "بکارگیری مهر بدون اجازه صاحب آن"؛ بیان نموده است که قسمت بیشتر این رفتارها تحت چتر "تغییر حقایق" جمع می‌گردد.

درفقره دوم ماده فوق‌الذکر و همچنان در فقره ۱ ماده ۴۳۷، دو رفتار دیگر نیز اضافه شده است: "استعمال شیء تزویر شده" و "ادخال آن در داخل کشور". این رفتارها به شکل فشرده ذیلاً شرح می‌گردد.

#### أ. ساختن نوشته، سند، مهر و امضا به قصد تقلب.

قانونگذار در این جا به جای نگارش و تحریر، لفظ «ساختن» را به کار برده است. موضوع ساختن عبارت است از: نوشته، سند، مهر و امضا. یعنی ساختن نوشته، ساختن سند، ساختن مهر و ساختن امضاء. ناگفته پیداست که ساختن موضوعات فوق‌الذکر زمانی تزویر خوانده می‌شود که به قصد تقلب آن‌جام شده باشد. واژه "به قصد تقلب" در اخیر فقره ۱ ماده ۴۳۶ به همین منظور اضافه شده است، چون بین تحریر مشروع سند و تحریر تزویری آن، تفکیک می‌نماید.

## "ساختن، نوشته و سند":

واژه "ساختن" در اینجا مفهوم "ایجاد سند تزویری" را می دهد. به این معنی که تزویر کننده سندی را که قبلاً وجود نداشته از خود می سازد. غالباً ساختن سند توأم با ساختن امضاء نیز می باشد. یعنی تزویر کننده بعد از اینکه سند را تزویر کرد روی آن امضای ساختگی نیز می کند. اما این دو باهم لازم و ملزوم نیستند، یعنی ممکن سند تزویری باشد اما امضاء حقیقی و این حالت نیز تزویر خوانده می شود مانند اینکه تزویر کننده بعد از ساختن سند مزور امضای شخص ذیصلاح را از طریق فریب اخذ نماید<sup>۱</sup>. اما در رابطه به ایجاد تغییرات در سندی که از قبل به شکل قانونی تهیه شده است کلمه "ساختن" به کار نمی رود بلکه تعبیرات بعدی مندرج فقره ۱ ماده ۴۳۶ صدق می کند چون خراشیدن، تراشیدن و یاهم قلم خور نمودن و غیره که بعداً رویش بحث می شود.

قانون شرط نگذاشته است که نوشته، سند، مهر، و یا امضای ساخته شده باید مطابق حالت اصلی باشد. به این اساس، تفاوت شیئی ساخته شده با شیئی اصلی در نتیجه تزویر مؤثر نیست. پس اسناد ساخته شده چه همانند اسناد اصلی باشد، یا شبیه آن و یا متفاوت از آن، جرم تزویر واقع می شود.

## «ساختن مهر»:

تزویر از طریق "ساختن مهر" عبارت است از گذاشتن مهر روی نوشته و یا سندی بدون اراده صاحب آن. غالباً تزویر کننده، مهر را می سازد. اما احیاناً تزویر کننده مهر حقیقی صاحب آن را بدون اذن وی و یا جبراً به کار برده روی نوشته و یا سند استفاده می نماید، نوشته ها و اسناد را مهر می کند. این حالات نیز تزویر خوانده می شود (گرچه مهر حقیقی به کار رفته است)، چون جوهر تزویر این است که چیزی به کسی خلاف حقیقت نسبت داده شود<sup>۲</sup>. این روش در اخیر تعریف تزویر در فقره ۱ ماده ۴۳۶ به عبارت «به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن» بیان گردیده است.

<sup>۱</sup> - برای تایید این مطلب میتوان بر نوشته استاد نجیب حسنی رحمه الله در شرح قانون عقوبات مصر، استناد و اشاره کرد، طوریکه

وی در رابطه به ماهیت "اصطناع" که معنای فارسی آن "ساختن" است، در باب "تزویر" چنین گفته است که: ماهیة الاصطناع: هو خلق محرر بأكلمه و نسبته الی غیره" یعنی ماهیت اصطناع یا "ساختن" این است که یک سند جدیدی به گونه کامل خلق یا ایجاد گردیده و به شخص دیگری نسبت داده شود.، القسم الخاص، ص ۲۳۹.

<sup>۲</sup> - محمود نجیب حسنی، ص ۲۳۲.

## «ساختن امضاء»:

تزویر از طریق "ساختن امضاء" عبارت است از گذاشتن امضای شخص دیگری روی یک نوشته و یا سند برخلاف حقیقت. غالباً این نوع تزویر از طریق تقلید نمودن امضای شخص ذیصلاح صورت می گیرد، یعنی تزویر کننده امضای شخص ذیصلاح را می آموزد سپس آنرا روی اسناد به کار می برد گویا که شخص ذیصلاح امضاء نموده باشد. اما تقلید کردن امضاء یکی از روشهای تزویر امضاء است. واقعیت این است که هر نوع امضایی را که تزویر کننده روی سند به نام شخص دیگری برخلاف حقیقت می گذارد عمل تزویر تکمیل می گردد، چه امضای ساختگی همانند امضای شخص ذیصلاح باشد، یا شبیه آن و یا اینکه اصلاً با امضای موصوف مشابهت نداشته باشد حتی اگر اسم شخص غیر حقیقی (وهمی) در امضاء ظاهر شود عمل تزویر شمرده می شود. چون معیار تزویر از طریق ساختن امضاء اینست که تزویر کننده نوشته و یا سندی را به شخصی نسبت دهد که اراده صحیح صادر کردن سند و یا نوشته مذکور را نداشته باشد.

ساختن مهر و امضاء اقتضاء دارد که سندی نیز وجود داشته باشد. سند می تواند تزویری باشد و یا اصلی. همچنان، ساختن مهر جدید و نسبت دادن آن به یک اداره معین، نسبت دادن یک مهر ساخته شده به یک نهادی که اصلاً وجود نداشته باشد، ایجاد تغییر در یک مهر حقیقی، و یا هم استفاده از مهر مخصوص یک شخص و یا یک اداره معین، بدون اجازه و رضایت، همه رفتارهای است که در تعریف جرم تزویر شامل می گردد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، اخذ امضای شخص روی اوراقی که از محتوی آن علم دقیق ندارد، و یا هم اخذ امضای وی روی ورقه سفید و سپس اضافه نمودن اضافات و یا اقرارهای منسوب به صاحب امضا و یا مهر، شیوه های دیگری از شیوه های تزویر در ساختن اسناد می باشد.

ب: خراشیدن، تراشیدن، قلم خورساختن، الحاق، محو، اثبات و یا سیاه کردن سند به قصد تقلب:

۱ - الدرّة ، شرح قانون العقوبات، ص ۲۴.

چنانچه تذکر داده شد، «ساختن نوشته و اسناد» در تزویر به معنای ایجاد نوشته و یا سند جدیدی است که از قبل موجود نبوده است. اما رفتارهایی چون خراشیدن، تراشیدن قلم خور ساختن و غیره، همه روی اسنادی واقع می‌شود که قبلاً به شکل قانونی ساخته شده است، اما تزویر کننده با وارد کردن برخی از تعدیلات مفهوم و دلالت آنرا تحریف می‌نماید و چنان وانمود می‌گردد گویا سند مذکور از آغاز به همین گونه تهیه گردیده است. این تصرفات نوعی از تغییر در یک سند دانسته می‌شود. قانون وسیله تغییر را مشخص نکرده است، لذا احداث تغییر خواه با دست باشد یا آله و یاهم مواد کیمیاوی و غیره وسایل، همه تزویر به حساب می‌آید.

شرط تزویر پنداشتن رفتارهای فوق اینست که منجر به بی مفهوم شدن نوشته و یا سند نشود، چون اگر سند و یا نوشته در نتیجه اعمال فوق الذکر بی مفهوم شود مانند اینکه شخص تمام نوشته های روی یک سند را با رنگ طوری سیاه کند که قابل خواندن نباشد و یا هیچ مفهومی را افاده نکند و یا تمام نوشته را تراش نماید و یا طوری قلم خور سازد (خط خط کند) که قابل مطالعه نباشد، این اعمال تزویر نه بلکه جرم تلف نمودن سند شمرده می‌شود.<sup>۱</sup>

ذیلاً روشهای فوق الذکر مختصراً شرح می‌گردد.

#### «خراشیدن و تراشیدن»:

خراشیدن و تراشیدن در فرهنگها هردو به معنای پاک کردن و از بین بردن آمده است، اما در عرف مردم فعل خراشیدن غالباً با آلات نوک تیزی مثل تیغ، یا چاقو، صورت می‌گیرد، اما تراشیدن یک کلمه یا جمله در نوشته یا سند، ممکن است با اشیای سخت دیگری صورت گیرد.

#### «قلم خور ساختن»:

قلم خور ساختن، عبارت از اضافه کرن کلمه یا حرف یا اعداد در اصل سند یا نوشته و تغیر متقابلانه مفاد و حدود آن نوشته است.

#### «الحاق»:

اضافه کردن یک کلمه یا جمله به اصل سند به نحویکه باعث تغییر مفهوم آن سند شود، معمولاً به صورت تغییر اعداد مثل اضافه کردن یک صفر به عدد معین چون (۱۰۰۰۰) یا قرار دادن حروف، کلمات یا سطور در متن یا در پایان نوشته یا در محل تراشیدگی و خراشیدگی صورت میگیرد.

«محو»:

از بین بردن تمام یا جزئی از یک نوشته یا سند از طریق پاک کردن آن با استفاده از هرگونه مواد عادی یا کیمیایی، جوهر پاک کن و غیره می باشد.

«اثبات»:

از ورود کلمه اثبات بعد از محو ظاهراً چنین برداشت می گردد که " اثبات " در این جا ضد " محو " قرار گرفته است، طوریکه چیزی در سند مذکور اضافه و علاوه گردد یا اینکه آثار آنچه که دلالت بر بطلان کامل سند، یا محو کلمات معین مندرج سند می نماید، از بین برده شده و طوری وانمود گردد که سند مذکور قابل اعتبار یا کلمه محو شده پابرجا بوده و مدلول ثابتی دارد.

«سیاه کردن»:

مراد از سیاه کردن، ناخوانا کردن یک کلمه، جمله یا علامتی در متن یک نوشته است، که معمولاً باریختن رنگ، یا مواد کیمیایی بر روی نوشته محقق میشود. تفاوت سیاه کردن با محو کردن در این است که در محو کردن وانمود می شود که اصلاً در آن قسمت از نوشته چیزی نبوده است، اما با سیاه کردن، یک جزئی از نوشته متذکره به صورت در می آید که قابل خواندن نمی باشد و در نتیجه در مفهوم و دلالت سند تغییر وارد می گردد. مانند سیاه کردن صفر از یک عدد بزرگ و یا اسم شخصی از سند.

ج: تقدیم یا تاخیر تاریخ حقیقی سند به قصد تقلب:

تقدیم یا تاخیر تاریخ حقیقی سند، رفتار دیگری از رفتارهای جرمی تزویر است که محتوای سند را از حالت حقیقی آن خارج و در معلومات مندرج آن، چنان تغییری را ایجاد می نماید که با واقعیت و حقایق موجود، تناقض داشته باشد، مانند تقدیم یا تاریخ سند بیع، تاریخ تولد، تاریخ وفات و غیره، سایر موارد

که برای اثبات حالات و حقایق، تاریخ مندرج سند یا نوشته، نقش کلیدی داشته و با تغییر آن، مرتکب بخواهد حقایقی را به قصد منفعت خود و یا اضرار به دیگران، تغییر دهد.

#### د: الصاق نوشته به نوشته دیگری:

الصاق به معنای چسپاندن یا ضمیمه کردن، یک نوشته به نوشته دیگر، نوعی دیگری از تزویر است که در کود جزا پیش بینی شده. این روش میتواند اشکال و شیوه های مختلفی داشته باشد مانند: کاپی کردن امضای یک شخص و الصاق آن در پای یک نوشته ای دیگری که بدون امضا بوده و یا نویسنده آن آنرا به هدف و منظور دیگری و خلاف آنچه تزویر کننده خواسته است، نگاشته باشد، و همچنان چسپاندن قسمت خاص به تصدیق رسمی بعضی از اوراق در سند دیگری که تصدیق نگردیده است، و یا هم دوباره یکجا نمودن و الصاق اجزای یک سند رسمی که باطل گردیده و به همین جهت پاره گردیده باشد، تا بار دیگر غرض اثبات محتوای آن، در جای دیگری استخدام یا ابراز گردد، همه نمونه های از تزویر دانسته می شود، که با استفاده از "الصاق نوشته به نوشته دیگری" تحقق یافته یا می یابد.

#### ه: به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن:

شیوه دیگری از شیوه های رفتار جرمی، استفاده از مهر و تاپه رسمی و اختصاصی متعلق به یک شخص و یا اداره خلاف اراده و علم صاحب و شخص ذی صلاح آن اداره می باشد که خود نوعی دیگری از انواع تزویر شناخته می شود، زیرا چنین رفتاری باعث آن می شود که بیانات و یا معلوماتی به صاحب مهر و "تاپه" نسبت داده شود که وی از آن بیخبر بوده و یا حد اقل در محتوای سند مهر شده، دقت نکرده است.

#### مطلب دوم: موضوع جرم تزویر:

در مطلب قبلی روی رفتار مادی جرم تزویر بحث صورت گرفت، در این مطلب موضوع جرم تزویر (جزء دومی از اجزای عنصر مادی جرم تزویر) بررسی می گردد. موضوع جرم تزویر عبارت است از: نوشته، سند، مهر و امضا.

**فرع اول: نوشته:**

ذکر پیاپی سند بعد از نوشته، این مفهوم را میرساند که اسناد رسمی و عرفی وسایر نوشته های که هرگونه تغییر در آن، منجر به کسب منفعت غیر مشروع برای تزویر کننده و یا ضیاع حق صاحب سند، و یا متضرر شدن وی گردد، موضوع جرم تزویر قرار می گیرد. این نوشته همامکن است در شکل اسناد عرفی، آثار دستی هنرمندان چون نقاشی، حکاکی، نوشتن با تار و خامه، نوشتن در چوب و غیره حالات را شامل گردد، به طور مثال: هرگاه نقاشی در پای لوحه نقاشی شده اش، اسم خود را درج کند، بناء اعمال هریک از رفتارهای فوق الذکر در اسم نویسنده که طبیعتاً حق ملکیت و نسبت دادن لوحه به وی را متأثر میسازد، وصف تزویر را خواهد داشت.

از سوی دیگر، هرچند کلمه تقلید، باوصف اینکه در تعریف تزویر در قانون جزای ۱۳۵۵ موجود بوده و درکود جزا از آن نام برده نشده است، رفتار جرمی است که علاوه بر اسناد رسمی و عرفی، احتمال ارتکاب آن در نوشته های متعدد دیگری نیز تصور می گردد.

**فرع دوم: سند:**

راجع به مفهوم سند و انواع آن قبلاً به تفصیل بحث صورت گرفت. در این جا فقط این موضوع یاد آور می شود که نوعیت و اقسام سند، در قرارگرفتن آن من حیث موضوع جرم، تفاوتی ندارد، چنانچه دیده میشود که اسناد رسمی خواه سیاسی باشد چون: پیمان ها و قرارداده ها یا قوانین و فرامین؛ یا اداری باشد مانند: شهادتنامه های تولد و وفات، اطلاعاتنامه ها و شهادتنامه های درسی، ابلاغیه های گمرکات، پسته خانه و بل های مصرفی تلفون، برق، آب و غیره؛ یا قضایی باشد چون: احکام و محاضر جلسات قضایی و تحقیقی، ویا هم نوشته های مدنی که مقتضای اجراءات رسمی و قانونی باشد چون: رهن رسمی، هبه، عقد ازدواج یا طلاق، ویا هر سندی دیگری که مورد احتجاج و استناد قانونی قرار گیرد، همه و همه از حیث اینکه موضوع جرم تزویر قرار می گیرند، تفاوتی نداشته و ندارد.

به همین منوال، انواع اسناد عرفی نیز چون اسناد تنظیم کننده معاملات مالی مانند قراردادها، اقرار مدیونیت یا ادای آن، بل ها و دفاتر تجارتي، اسناد بانکی، ویا اقرار خط ها، اعترافات و نسبت دادن وقایع

و غیره، همه ممکن است موضوع جرم تزویر قرار گیرد، هر چند دارای قیمت مالی و مادی نباشد، بلکه همین قدر کافی خواهد بود که مرتکب تزویر، خلاف حقیقت و به قصد تقلب واقع یا افاده ای را به شخصی نسبت دهد.

### فرع سوم: مهر، امضا و نشان انگشت:

مراد از امضا هر آن علامت و یا دستخط ویژه ای است که به صاحب آن نسبت داده شده، و معرف شخصیت وی باشد.<sup>۱</sup>، طوریکه با دیدن آن در پای هر نوشته و یا سندی، ثابت گردد که این امضا متعلق به فلان شخص بوده و سند مذکور از جانب وی صادر گردیده است، و یا وی به آنچه که در سند مذکور درج گردیده است، تعهد نموده است.

همچنان مراد از مهر، قطعه معدنی، سنگی و یا هر چیز دیگری است که حاوی نقش و نوشته مخصوصی بوده، مضمون و نقش آن حین استخدام، دلالت بر ملکیت و تعلق آن به صاحب مهر داشته باشد.

البته استخدام مهر در رسایل و مخاطبات رسمی پیشینه تاریخی قدیمی داشته و در عصر حاضر هر اداره و نهاد، مهر مخصوص خود را دارد که در پای نوشته ها و مکاتیب مربوط گذاشته شده و دال بر صحت و نسبت آن به همان اداره دارد.<sup>۲</sup>

چنانچه قانون مدنی افغانستان در بسا موارد میان امضا، مهر و نشان انگشت تفکیکی نکرده و از حیث اعتبار و اهمیت قانونی، همه را در یک ردیف قرار داده است،<sup>۳</sup> کود جزا نیز در قسمت "تزویر" میان امضا و مهر و همچنان میان امضا و نشان انگشت تفکیکی نکرده، ماده (۴۴۴) این کود، تصریح میدارد که "در تطبیق احکام این فصل، نشان انگشت مانند امضا اعتبار دارد".

<sup>۱</sup> حسنی محمود نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص ۹۶۷-۹۶۸..

<sup>۲</sup> - [https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post\\_۶۹.html](https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post_۶۹.html)

<sup>۳</sup> - به طور مثال مراجعه گردد به: فقره دوم ماده ۲۹۱ و ماده های ۹۹۱ و ۹۹۵ قانون مدنی.

## فعالیت شماره ( ۴ )

## سوال مناقشوی:

آیا تکت پستی " Stamp " و سایر اوراق بهادار، یا غیر بهادار که در برخی از اجراءات رسمی ادارات معین، به کار برده می شود، موضوع جرم تزویر قرار می گیرد و یاخیر؟ اگر جواب مثبت باشد شامل کدام یک از اشیایی می گردد که در تعریف جرم تزویر موضوع این جرم شناخته شده است؟

پاسخ احتمالی: هرچند تکت پستی با مهر و امضا شباهت بیشتر دارد، اما در تعریف تزویر از آن نام برده نشده است، در حالیکه در بند سیزدهم ماده ۴۳۷ از " سایر اسناد رسمی که از طرف مراجع دولتی ترتیب و صادر می گردد " نام برده شده و ممکن است این وصف شامل تکت پستی نیز گردد.

## نتیجه و رابطه سببیت:

در کود جزای افغانستان، مشخص نشده است که در نتیجه تزویر حقوق مورد حمایت قانون آسیب ببینند. لهذا این جرم از جرایم مطلق شمرده می شود و به مجرد تحقق رفتار جرمی و موضوع جرم تکمیل می گردد. حصول ضرر به غیر، و یا حصول منفعت به تزویر کننده و یا دیگران از اجزای عنصر مادی نیست. بنابراین، شخصی که قرض دیگران را می پردازد، اما از آنها سند نمی گیرد، بعداً سندی را تزویر می کند مبنی بر اینکه داین قرض خود را تسلیم شده است، عمل او تزویر شمرده می شود. در حقوق مقایسوی، برخی از حقوقدانان، جرم تزویر را نتیجوی می دانند و نتیجه را " ضرر رسیدن " به غیر تعریف می کنند. به این اساس در مثال فوق الذکر مدیون مرتکب جرم تزویر نمی باشد. اما از آنجائیکه در کود جزای افغانستان ضرر رسیدن به غیر از شرایط تزویر نمی باشد، گفته می توانیم که این جرم نتیجوی نیست. از جانب دیگر، استعمال سند تزویر یافته و بهره برداری از آن، نیز شرط جرم تزویر نیست، بلکه این جرم به

مجرد ارتکاب یکی از رفتارهای فوق الذکر بالای موضوعات متذکره با داشتن قصد تقلب، متحقق می‌گردد خواه عملاً از سند و یا نوشته مذکور استفاده صورت گیرد و یا خیر.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: عنصر معنوی:

جرم تزویر از جرایم عمدی است و نوع قصد جرمی از نوع قصد خاص است. چون ماده ۴۳۶ کد جزا تصریح کرده است که رفتارهای جرمی "به قصد تقلب" انجام شود. یعنی شخص رفتارهای مادی را عامدانه و آگاهانه و به منظور تقلب و تغییر حقایق انجام دهد. هدف نهایی متقلب از اجزای عنصر معنوی نیست. مراد از هدف نهایی قصد کسب منفعت غیر مشروع به خود یا دیگران و یا رساندن ضرر به دیگران است. بنابراین، داشتن نیت تقلب برای تحقق جرم کافی است. پس عنصر معنوی، جرم تزویر شامل قصد عام و قصد خاص هر دو می‌باشد.

### مطلب اول: قصد عام:

قصد عام در جرم تزویر این است که مرتکب یکی از رفتارهای مندرج ماده ۴۳۶ کد جزا را عامدانه و آگاهانه انجام دهد. یعنی اراده خود را با درک ماهیت رفتار جرمی و موضوع جرم به سوی ارتکاب جرم سوق دهد. اما اگر نویسنده سند یا نوشته از حقیقت موضوع آگاهی نداشته باشد، بلکه اقوال ذینفع و ذیشان را طوری که می‌گویند درج سند می‌سازد، و این اقوال ویا اظهارات خلاف حقیقت ثابت می‌شود، تهیه کننده سند تزویر کننده شمرده نمی‌شود. هرچند عدم آگاهی وی از حقایق موضوع، ناشی از اهمال و وظیفوی باشد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - الدرّة، ماهر شاولش، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص: ۳۴، حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص، ص:

۲۷۳-۲۷۶.

<sup>۲</sup> - الدرّة، ماهر شاولش، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ص: ۳۴.

**مطلب دوم: قصد خاص:**

قصد خاص در جرم تزویر عبارت است از داشتن نیت تقلب و تغییر حقایق. یعنی مرتکب جرم افزون بر اینکه رفتار جرمی را آگاهانه و عامدانه آن جام می دهد، یک سوء نیت خاص باید داشته باشد که عبارت است از قصد تقلب. تقلب به منظور استفاده از سند تزویر شده آن جام می شود، چون لازمه داشتن " قصد تقلب" این است که نزد مرتکب این اراده و علم موجود باشد که نوشته و یا سند تزویر شده از سوی خود او و یا شخص دیگری استعمال می گردد و روی آن استناد صورت می گیرد. استفاده بالفعل حتمی نیست. البته انگیزه تزویر از اجزای عنصر معنوی نیست مانند داشتن کسب منفعت، دفع ضرر، رسانیدن ضرر به دیگران و یا کمک و همکاری به اشخاص مستحق و مستضعف و غیره. بنابراین، وجود و یا عدم وجود انگیزه های این چنین بر جرم تزویر تأثیر ندارد.

سوالی در این جا قابل طرح است که: آیا قصد خاص شامل قصد اضرار به غیر نیز می گردد یا خیر؟ زیرا قصد اضرار به غیر، وجه دیگر یا منظور دیگری از استعمال سند پنداشته می شود؟ در جواب باید گفت که در رابطه به رسانیدن ضرر به دیگران در جرم تزویر که قصد خاص شمرده می شود، میان دانشمندان حقوق اختلاف است؛ عده ای از حقوقدانان برین باورند که قصد خاص یعنی قصد اضرار به غیر در تزویر سند، به طور مطلق جزء شروط جرم تزویر می باشد. و در مقابل عده ای دیگر از حقوقدانان معتقدند که این قصد از شرایط این جرم نمی باشد. چرا که نفس تزویر در این جرم ملاک می باشد، صرف نظر از اینکه قصد اضرار به غیر را داشته باشد یا خیر؟ از طرف دیگر ممکن است سند تزویر شده که هیچ قصدی خاصی بعنوان ضرر به دیگری نداشته باشد، توسط اشخاص ثالث مورد سوء استفاده قرار گیرد. لذا از این جهت به نظر می رسد استدلال گروه دوم، معتبر تر و قابل قبول باشد.

## فعالیت شماره ( ۵ )

## قضیه فرضی:

خانم (الف) که شوهرش ۴ ماه قبل در یک حادثه وفات نموده است، میخواهد با شخصی دیگری ازدواج نموده و به همین منظور به محکمه مراجعه می نماید، کارمند محکمه غرض اجرای عقد ازدواج از خانم مذکور سوال میکند که آیا مانع شرعی و قانونی در ازدواج وی باشخص مذکور وجود دارد یا خیر؟ خانم مذکور جواب نفی میدهد که هیچ یک از موانع یاد شده وجود نداشته و وی آماده است با مرد حاضر ازدواج نماید. کارمند موظف، عقد ازدواج را اجرا و ثبت اجراءات رسمی محکمه نموده و خانم مذکور به خانه شوهر جدیدش انتقال می نماید.

اقارب شوهر قبلی خانم، با شنیدن خبر ازدواج وی، به خارنوالی عریضه نموده و ادعا مینمایند که خانم مذکور قبل از انتهای عدت وفات شوهر اولی که همان ۴ ماه و ده روز می باشد، با شوهر دومی ازدواج نموده است، خارنوالی خانم و موظف محکمه هردورا به جرم تزویر متهم می سازد، خانم ادعا می نماید که وی معتقد بوده است که مدت عدت وی فقط ( ۳ ) ماه است، اما موظف محکمه ادعا می نماید که وی درین راستا به معلومات ارایه شده از جانب خانم اکتفا نموده و تحقیق بیشتری نکرده است.

سوال: آیا هردو متهم مرتکب جرم تزویر شده اند؟

## پاسخ احتمالی:

در صورتی که تحقیقات به اثبات برساند که ادعای خانم، ناشی از جهل وعدم آگاهی وی از قانون مدنی، و عمل موظف محکمه نیز ناشی از اهمال ووظیفوی بوده و تحقیقات لازم را به خرج نداده است، در آن صورت قصد جرمی که همانا تغییر حقایق به قصد تقلب است، تحقق نیافته و جرم تزویر تحقق نیافته است.

### مبحث سوم: جزای جرم تزویر:

قانون گذار در تعیین جزای جرم تزویر، نوعیت سند تزویر شده و شخصیت مرتکب را معیار قرارداده و مجازات را با در نظر داشت این دو معیار، حسب احوال، افزایش و یا کاهش داده است.<sup>۱</sup> ذیلاً این جزاها به ترتیب کد جزا ذکر می‌گردد:

#### الف: جزای تزویر اسناد مهم دولت:

حبس متوسط بیش از سه سال: جزای تزویر اسناد مندرج فقره (۲) ماده ۴۳۶ کد جزا، حبس متوسط بیش از سه سال پیش بینی شده است. استعمال اسناد تزویر شده متذکره و یا ادخال آن به کشور با وجود علم از تزویری بودن آن، دارای عین مجازات می باشد.

این اسناد عبارت است از:

« ۱ - اسناد رسمی دولت<sup>۲</sup>، قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه.

۲ - مهر دولت، مهر یا امضای رئیس دولت»<sup>۳</sup>.

ملاحظه می‌شود که این اسناد نسبت به اسناد مندرج ماده ۴۳۷، مهمتر است لذا جزای تزویر آن نسبت به جزای تزویر اسناد مندرج ماده ۴۳۷ شدیدتر پیش بینی شده است. اما مشخص نیست که مقنن چرا جزای تزویر اسناد مندرج ماده ۴۳۸ را با وجودیکه نسبت به اسناد مندرج ماده ۴۳۶ اهمیت کمتر دارد حبس طویل پیش بینی نموده است. شاید پنداشته شود که در آنجا از موظف خدمات عامه بی که در جریان

۱ - در فقره (۲) ماده ۴۳۶ و در مواد ۴۳۷ و ۴۴۰ مقدار جزا با توجه به نوعیت اسناد تزویر شده تعیین شده است. در حالیکه در مواد ۴۳۸، ۴۳۹ و ۴۴۱ مقدار جزا با توجه به شخصیت مرتکب تعیین شده است مانند تزویر توسط موظف خدمات عامه (م ۴۳۸م) ۴۳۹ و تزویر توسط طبیب و جراح (م ۴۴۱).

۲ - این متن "اسناد رسمی دولت" در قانون جزای ۱۳۵۵ در اینجا وجود نداشت چون در جزء ۱ فقره ۱ ماده ۳۱۰ چنین تصریح شده بود «۱- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه».

۳ - کد جزا، ماده ۴۳۶ فقره (۲).

وظیفه عمداً تزویر می کند بحث شده است، اما نگاهی به فقره دوم ماده متذکره (۴۳۸) نشان می دهد که جزای غیر موظف خدمات عامه نیز تشدید یافته است ضمناً متن مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ به لفظ "شخصی" نگاشته شده است که موظف خدمات عامه را نیز شامل می باشد بلکه ماده ۴۳۹ تصریح نموده است که جرم مندرج ماده ۴۳۷ از سوی موظف خدمات عامه قابل وقوع است. در قانون جزای ۱۳۵۵ از عین شیوه استفاده شده بود، اما در آن جا مشکل زیاد نبود چون جزای هردو نوع تزویر حبس طویل پیش بینی شده بود<sup>۱</sup>. اما مقنن در کود جزا، جزای تزویر اسناد مهمتر را کاهش داد (م ۴۳۶)، ولی ظاهراً متوجه نشده است تا جزای بخش دیگر را نیز کاهش دهد. نتیجه عملی این سطحی نگری این می شود که اگر احیاناً شخص عادی (غیر موظف خدمات عامه) قانون و یا فرمان تقنینی، و یا حکم قطعی محکمه را تزویر نماید به حبس متوسط محکوم شود اما اگر دفاتر یک اداره دولتی را که به مراتب (نسبت به قانون و فرمان و سایر اسناد مندرج ماده ۴۳۶) کم اهمیت است تزویر نماید حسب فقره ۳ ماده ۴۳۸ به حبس متوسط یا طویل تا ده سال محکوم گردد.

از جانب دیگر بین اسناد مندرج مواد ۴۳۶، ۴۳۷ و ۴۳۸ یکنوع تداخل وجود دارد به این معنی که برخی از اسناد رسمی تحت هر یک از مواد متذکره قرار گرفته می تواند درحالیکه جزای پیش بینی شده در هر یک از این مواد متفاوت می باشد. به عنوان مثال در جزء ۱ فقره (۲) ماده ۴۳۶ از «اسناد رسمی دولت» صحبت شده است، سپس در ماده ۴۳۷ لست دیگری از اسناد ذکر شده است و در پایان آن یعنی در جزء ۱۳ فقره ۲ از «سایر اسنادی رسمی که از طرف مراجع دولتی ترتیب و صادر می گردد» یاد آوری شده است. و ماده ۴۳۸ نیز از «سایر اسناد و نوشته های رسمی» صحبت نموده است. قابل ذکر است که در قانون جزای ۱۳۵۵ تداخل وجود نداشت، زیرا ماده ۳۱۰ قانون مذکور یک لستی از اسناد را شامل بود

۱ - رجوع شود به فقره ۱ ماده ۳۱۰ و ماده ۳۱۳ قانون جزای ۱۳۵۵.

و ماده ۳۱۳ لست دیگر را و فقط در ماده ۳۱۳ لفظ «سایر اسناد و نوشته جات رسمی» ذکر بود، اما متأسفانه در کد جزا در این موضوع مثل سایر موضوعات خلط صورت گرفته است.

### فعالیت شماره ( ۶ )

#### فعالیت گروهی:

اشتراک کنندگان به گروهها تقسیم شوند و مواد ۴۳۶، ۴۳۷ و ۴۳۸ کد جزا را تحلیل نموده محل تطبیق هر ماده را مشخص نمایند.

به نکات ذیل توجه صورت گیرد:

۱. تفاوت موضوع جرم در هر ماده

۲. تفاوت شخصیت مرتکب جرم در هر ماده

۳. تفاوت کیفیت ارتکاب جرم در هر ماده (عمدیت و غیر عمدیت)

همچنان اصول تفسیر قانون به ویژه قاعده عام و خاص و مطلق و مقید ممد واقع شده می تواند.

### فعالیت شماره (۷)

#### سوال مباحثی:

در جزء ۱ فقره ۲ ماده ۴۳۶ کد جزا از "اسناد رسمی دولت"<sup>۱</sup> یاد شده است.

س ۱: مراد از این اسناد چیست؟ آیا قانون، فرمان، یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان

صدارت و یا حکم قطعی محکمه که در همین فقره ذکر هستند، اسناد رسمی دولت نیستند؟

۱ - این متن "اسناد رسمی دولت" در قانون جزای ۱۳۵۵ در اینجا وجود نداشت چون در جزء ۱ فقره ۱ ماده ۳۱۰ چنین تصریح شده بود «۱- قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه».

س ۲: آیا اسناد مندرج فقره ۱ ماده ۴۳۷ اسناد رسمی دولت نیستند؟ اگر هستند معیار تفکیک بین آنها چیست؟ به ویژه جزء ۱۳ فقره اول ماده ۴۳۷ کد جزا که چنین صراحت دارد "سایر اسناد رسمی که از طرف مراجع دولتی ترتیب و صادر می‌گردد".

س ۳: مراد از متن «سایر اسناد و نوشته جات رسمی» در فقره (۱) ماده ۴۳۸ کد جزا چیست؟ و با اسناد رسمی مندرج مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ کد جزا چه تفاوت دارند؟

پاسخ احتمالی:

به نظر می‌رسد که در اینجا در کد جزا یکنوع خلط صورت گرفته است و نیاز به تعدیل دارد. بهتر است مثل قانون جزای ۱۳۵۵ لفظ "اسناد رسمی دولت" از جزء ۱ فقره ۱ ماده ۴۳۶ حذف شود و همچنان جزء ۱۳ فقره ۱ ماده ۴۳۷ کد جزا «سایر اسنادی رسمی که از طرف مراجع دولتی ترتیب و صادر می‌گردد» حذف شود. و تعبیر «سایر اسناد و نوشته های رسمی» در ماده ۴۳۸ به حال خود ابقا شود (به قسمیکه در قانون جزای ۱۳۵۵ بود). اینگونه مشکل تداخل حل می‌شود.

همچنان مجازات مواد ۴۳۶، ۴۳۷ و ۴۳۸ بازنگری شود به گونه‌ای که جزای هرکدام حسب اهمیت اسناد رسمی تزویر شده از شدید به خفیف تعیین شود. و در هرباب جزای موظف خدمات عامه نسبت به جزای شخص عادی شدیدتر پیش بینی شود.

اما تازمانیکه کد جزا تعدیل گردد، چاره باید جست. و این چاره اینست که "اسناد رسمی دولت" را که در جزء ۱ فقره ۱ ماده ۴۳۶ ذکر است به اسنادی تفسیر نمود که از جانب دولت من حیث دولت صادر می‌شود مانند موافقتنامه هایی که از جانب دولت با سایر دول امضاء می‌شود. این اسنادی است که حقوق و وجایب دولت را من حیث دولت به اثبات می‌رساند. اما جزء ۱۳ فقره ۱ ماده ۴۳۷ را به اسنادی رسمی تفسیر نماییم که از سوی دولت منحیث دولت نه بلکه از سوی یکی از ادارات دولتی صادر می‌شود برای اشخاص خصوصی. به این معنی که سند از اشخاص خصوصی است اما دولت صادر کننده آن است.

و تعبیر «سایر اسناد و نوشته های رسمی» را که در فقره ۱ ماده ۴۳۸ ذکر است در روشنایی نمونه هایی اسناد مذکور در همان ماده تفسیر نماییم. یعنی اسناد مربوط به یک اداره از ادارات دولتی نه از دولت من حیث دولت مانند، دفاتر و سجلات یکی از ادارات دولتی. عین قاعده در قسمت تفکیک بین «مهر دولت» (جزء ۲ فقره ۴۳۶) و «مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدی های دولت» (جزء ۱ فقره ۴۳۷) قابل تطبیق است. نوع اول چون اهمیت بیشتر دارد، جزای تزویر آن بیشتر پیش بینی شده است. منتهی شدت مجازات ماده ۴۳۸ و کاهش آن در سایر مواد در این خصوص مشکل ایجاد می کند چون منطقی نیست که تزویر اسناد رسمی مربوط به دولت و یا تزویر قانون جزای کمتر نسبت به تزویر سند رسمی مربوط یکی از ادارات دولتی داشته باشد.

#### فعالیت شماره (۸)

##### سوالات مباحثوی:

س ۱: آیا حیازت اسناد تزویر شده جرم تزویر شمرده می شود؟ یعنی شخص (الف) سندی را به قصد تقلب می سازد، و به شخص (ب) می سپارد. شخص (ب) با وجود علم از حقیقت آن آرا نگهداری می کند و اراده استعمال آنرا ندارد. آیا عمل شخص با جرم است یا خیر؟

س ۲: قانون گذار در مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ ادخال سند تزویر شده به کشور را جرم شمرده است، آیا اخراج سند تزویر شده از کشور، نیز جرم دانسته می شود؟

س ۳: مراد از تزویر مهر در ماده ۴۳۶ کد جزا چیست؟ آیا مراد ساختن آله مهر (ذات مهر) است؟ و یا مراد به کارگیری مهر اصلی برخلاف اراده صاحب آن روی سند؟ و یا هردو؟

##### جوابات احتمالی:

- ۱- از سیاق ظاهری مواد فصل تزویر، چنین استنباط می‌گردد که حیازت یا حفاظت اسناد تزویر شده، جرم انگاری نگردیده است، اما این موضوع قابل بحث است که آیا شخص (ب) شریک جرم استعمال سند مزور شمرده می‌شود یا خیر؟
- ۲- اخراج اسناد تزویر شده به خارج از کشور نیز در هیچ یک از مواد مندرج این فصل، جرم انگاری نگردیده و نمیتوان آنرا به ادخال سند مزور، قیاس کرد.
- ۳- مراد از تزویر "مهر" در ماده ۴۳۶ و ۴۳۷ ساختن "مهر" است. جزای استفاده از مهر در ماده ۴۴۰ کد جزا پیش بینی شده است.

### ب: جزای تزویر اسناد دارای اهمیت کمتر:

حبس متوسط: ماده ۴۳۷ کد جزا، مجازات تزویر اسناد و اشیایی را تنظیم نموده است که از لحاظ اهمیت نسبت به اسناد و اشیای مندرج فقره (۲) ماده ۴۳۶ کد جزا در درجه پایتتر قرار دارد. جزای تزویر این اسناد حبس متوسط پیش بینی شده است.

این اسناد و اشیای عبارت اند از:

- ۱- مهر، تابه یا علامه یکی از ادارات یا تصدی های دولتی.
- ۲- مهر، امضاء یا علامه یکی از موظفین خدمات عامه.
- ۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره .
- ۴- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.
- ۵- اوراق مالی بانکها که صدور آن قانوناً مجاز باشد.
- ۶- شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی.
- ۷- جواز شرکت های غیر واقعی.
- ۸- لایسنس و جواز سیر.
- ۹- تذکره تابعیت.

۱۰- پاسپورت.

۱۱- سند مسافرت

۱۲- سند اقامت

۱۳- سایر اسنادی رسمی که از مراجع دولتی ترتیب و صادر می‌گردد<sup>۱</sup>.

طبق فقره (۲) این ماده «(۲) شخصی که اسناد مندرج اجزای ۸ تا ۱۳ فقره (۱) این ماده را بمنظور ارتکاب جرم تروریستی تزویر نماید، با رعایت حکم ماه ۲۷۸ این قانون مجازات می‌گردد».

### فعالیت شماره (۹)

سوال مباحثوی:

آیا تزویر سند خارجی و همچنان استعمال، یا ادخال آن به کشور، جرم دانسته می‌شود؟ یا خیر؟ هرگاه جواب مثبت باشد، مجازات آن چه خواهد بود؟

ج- جزای تزویر توسط موظف خدمات عامه یا سایر اشخاص:

هرگاه موظف خدمات عامه در جریان وظیفه:

- اسناد رسمی مندرج فقره (۱) ماده ۴۳۸ کد جزا را تزویر نماید، به حبس طویل محکوم می‌شود.  
این اسناد شامل موارد ذیل است «احکام صادره، تصاویر، وثایق، کتب ثبت اسناد، دفاتر و سایر اسناد و نوشته های رسمی».

- واگر اسناد عرفی را تزویر نماید به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد، مجازات می‌شود.

هرگاه غیر موظف خدمات عامه اسناد فوق را (اسناد رسمی مندرج فقره (۱) ماده ۴۳۸ و یا اسناد عرفی) تزویر نماید به جزای حبس متوسط یا حبس طویل محکوم می‌شود.

تبصره:

۱- کد جزا، ماده ۴۳۷ فقره (۱).

در خصوص ماده ۴۳۸ نکات ذیل قابل بحث است:

۱. عنوان این ماده گمراه کننده است. زیرا ظاهراً می رساند گویا این ماده از جرم تزویر توسط موظف خدمات عامه بحث می کند. در حالیکه چنین نیست چون لفظ "یا سایر اشخاص" غیر موظفین را نیز شامل می شود. به این معنی که حکم این ماده بالای هر شخص قابل تطبیق است، چه موظف خدمات عامه باشد و یا دیگران. بنابراین، بهتر بود عنوان ماده با توجه به موضوع جرم مندرج آن انتخاب می شد نه به اساس مرتکب جرم.
۲. در این ماده بر عمدی بودن تزویر تصریح شده است.
۳. اسناد و اشیایی که به حیث موضوع جرم تزویر در این ماده ذکر است، با اسناد و اشیای مندرج مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ تداخل دارد.
۴. جزای غیر موظف خدمات عامه در قسمت تزویر اسناد عرفی نسبت به جزای موظف خدمات عامه بیشتر پیش بینی شده است و هیچ تفکیکی بین جزای اسناد رسمی و عرفی در قسمت او صورت نگرفته است.

#### فعالیت شماره (۱۰)

##### تفکر انتقادی:

قانون گذار در این جا ارتکاب جرم تزویر توسط موظف خدمات عامه "در اثنای اجرای وظیفه" را قید گذاشته و برای آن جزای حبس طویل را پیش بینی نموده است، سوالی که در این جا مطرح می گردد این است که هرگاه موظف خدمات عامه جرم مذکور را در اوقات خارج از اوقات وظیفه رسمی، مرتکب گردد، چه حکمی خواهد داشت؟

#### فعالیت شماره (۱۱)

## سوال مباحثوی:

در صورتی که موظف خدمات عامه، سندی را به طور کلی تزویر نماید، اما سند فاقد مهر و امضاء باشد در این صورت، آیا جرم تزویر تحقق یافته است؟

## پاسخ احتمالی:

پاسخ سوال فوق در ابتدا بستگی به شرایط ذکر شده در خصوص اسناد دارد، بدین صورت که اگر بر متن تهیه شده اسم سند اطلاق می‌گردد در این صورت، عمل آن جام شده، تزویر است، اما اگر بر ورق مذکور لفظ سند اطلاق نشود، عمل تزویر نمی‌باشد. چنانچه در بحثهای گذشته ملاحظه نمودیم در بخش اسناد عرفی، ورق زمانی سند عرفی پنداشته می‌شود که شامل مهر، امضاء و یا شصت شخص باشد. بنابراین، ساختن سند عرفی بدون گذاشتن مهر، امضاء و یا شصت روی آن جرم کامل تزویر پنداشته نمی‌شود. اما اگر ثابت گردد، که شخص مذکور نیت و قصد ساختن و یا به کارگیری مهر، امضاء و یا شصت را داشته است عمل وی شروع به جرم تزویر پنداشته می‌شود.

هرچند در قسمت اسناد رسمی، وجود مهر و امضاء و یا شصت مقام ذیصلاح از ارکان آن نیست، لذا عمل مذکور جرم تزویر پنداشته می‌شود.

برخی از حقوقدانان، افزون بر قابلیت استناد، قابلیت اضرار به غیر را نیز شرط گذاشته‌اند، بدین صورت که اگر متن تهیه شده شرایط سند و یا قابلیت استناد را نیز نداشته باشد، اما در عین حال، قابلیت اضرار به غیر را داشته باشد، در این صورت، عمل صورت گرفته را مشمول عمل تزویری می‌دانند.

د: تزویر در متن یا شکل اسناد هنگام تحریر: (تزویر معنوی):

ماده ۴۳۹ کود جزا مجازات تزویر اسناد رسمی توسط موظف خدمات عامه در هنگام تحریر آن را بیان و برای آن "حبس متوسط" را پیش بینی نموده است، که این تزویر در حقیقت همان تزویر معنوی<sup>۱</sup> است که در صفحات گذشته تعریف گردید.

البته مراد قانونگذار درین جا مواردی است که موظف خدمات عامه در جریان وظیفه به قصد تزویر، متن و یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن تغییر بدهد مانند اینکه اظهارات شخصی را که برایش سند را تهیه می کند عمداً خلاف واقعیت درج نماید و یا با وجود علم واقعه مزوره را به حیث یک واقعه درست و یا عکس آن ثبت نماید.

ماده ۴۳۹ کود جزا در زمینه چنین صراحت دارد که: "هرگاه موظف خدمات عامه به قصد تزویر، متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن منحیث وظیفه، در غیر از حالات مندرج ماده ۴۳۷ این قانون، تغییر بدهد، خواه این تغییر در اقرار شخصی باشد که سند برای او تحریر می شود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح و یا عکس آن درج نماید، به حبس متوسط، محکوم می گردد".

۱- در رابطه به تفاوت ها میان تزویر مادی و معنوی، هر چند حین بحث روی انواع تزویر، اشاره ای کوتاهی بدان صورت گرفت، اما

باز هم میتوان گفت که موارد ذیل، از جمله فروق جوهری میان این دو نوع تزویر شناخته می شود:

۱- از نظر نوع تقلب: در تزویر مادی قلب حقیقت بصورت فزیکتی بر روی سند ونوشته صورت گرفته، آثار محسوس آن، روی نوشته باقی می ماند، که گاهی به صورت عادی و گاهی هم توسط کار شناسان قابل تشخیص است، اما در تزویر معنوی، علائم خارجی و ملموسی از اقدامات تزویر کننده باقی نمی ماند. از این رو کشف آن توسط کارشناسان فنی صورت نمی گیرد، بلکه تشخیص این نوع تزویر از راه تحقیق و جمع آوری دلایل در باره اصالت وصحت اوراق مذکور، ممکن خواهد بود.

۲- از نظر نوع سند: ارتکاب تزویر معنوی بیشتر در اسناد رسمی متصور بوده و به ندرت در اسناد عادی اتفاق می افتد، اما تزویر مادی در هر نوشته ای که بتواند به شخصی منفعتی را جلب یا ضرری را وارد نموده ونوشته مذکور قابلیت اثبات یا نفی حقی را داشته باشد، قابل تحقق است.

۳- از نظر شخص مرتکب: مرتکبین تزویر معنوی معمولاً کارمندان یا مراجع قضای یا مأمورین خدمات عمومی هستند، که در هنگام تحریر اوراق مربوط به وظایف شان مرتکب این جرم میشوند در حالیکه تزویر مادی از ناحیه هر کسی بدون دخالت مأمورین رسمی نیز متصور است..

۴- از نظر زمان: ارتکاب تزویر معنوی همزمان و در حین تنظیم نوشته یاسند صورت می پذیرد. در حالیکه تزویر مادی بعد از صدور سند یانوشته صورت می گیرد.

البته از محتوی فقره قانونی مذکور دریافت می‌گردد که کود جزا درین جا سه نوع تزویر معنوی را پیش بینی نموده است، که شامل تغییر اقرار و معلومات ارایه شده از جانب یک شخص، درج واقعه مزوره به شکل واقعه صحیح و همچنان عکس آن، گردیده و در سطور بعدی روی هر کدام مکشی خواهیم داشت.

#### - تغییر در اقرار شخص:

تغییر در اقرار یا معلومات ارایه شده از جانب شخص معین طوری واقع می‌گردد که موظف خدمات عامه، حقیقت اقوال و معلومات ارایه شده از جانب شخصی را که می‌خواهد اقوال مذکور را ثبت اوراق و وثایق رسمی کند، تغییر دهد، خواه این تغییر در اجزاء معین از نوشته یا سند مذکور صورت گیرد، یا اینکه به طور کلی تغییر یابد، موظف مذکور، مرتکب جرم تزویر دانسته می‌شود. مانند اینکه شخصی از موظف خدمات عامه بخواهد، سندی برای اجاره ملکیت وی ترتیب دهد، اما کارمند مذکور بجای عقد اجاره، عقد بیع را درج نماید، یا اینکه سند اجاره را ترتیب دهد اما در مقدار یا میعاد اجرت آن، تغییری بیاورد.

#### - درج واقعه مزوره به شکل واقعه صحیح و یا عکس آن:

مراد قانون گذار در این جا درج یک واقعه بر خلاف حقیقت آن است. لذا هر گونه تغییر و تحریف در محتوای یک واقعه، هنگام درج و ثبت رسمی آن، وصف جرم تزویر را به خود می‌گیرد. مانند اینکه کارمند مذکور تاریخ حقیقی یک سند را نوشته نکرده بلکه تاریخ مغایر با حقیقت را درج نماید، یا اینکه به جای مکان حقیقی نگارش آن، جای دیگری را درج نماید، یا اینکه در نوشته از حضور شهود حرفی بزند، در حالیکه هیچ شاهدی در واقعه حضور نیافته باشد، یا اینکه محقق در محضر تحقیق، از نیافتن هیچ اثری در مسکن متهم که دلیلی بر الزامیت وی تلقی گردد نگاشته باشد، در حالیکه دلائلی موجود باشد.

همچنان نوع دیگری از معکوس ساختن حقایق یک واقعه این است که موظف خدمات عامه، اعتراف شخصی را به گونه واقعی آن، درج ننموده بلکه آنرا از مثبت به منفی و یا برعکس تغییر دهد، مانند اینکه

تحریر نماید که متهم به ارتکاب جرم اعتراف نموده است، در حالیکه وی چنین اعترافی نکرده باشد. یا اینکه در سند بیع بنگارد که مشتری ثمن مکمل میبعه را قبض و تسلیم شده است، در حالیکه وی آنرا قبض نکرده و چنین قولی را نگفته باشد، یا اینکه به جای اسم حقیقی شاهد، اسم وهمی یا حقیقی شخص دیگری را به نام شاهد درج و شهادت ارایه شده را به وی نسبت دهد.

### فعالیت شماره (۱۲)

#### قضایای فرضی:

۱- احمد مبلغ صد هزار افغانی به محمود قرض داده و محمود از این جمله مبلغ ده هزار افغانی را به احمد مسترد می نماید، احمد که توانائی نوشتن را ندارد، به محمود می گوید تا از زبان وی این اقرار را بنویسد که وی از محمود مبلغ ده هزار افغانی را به دست آورده است، محمود به جای اینکه ده هزار بنویسد، در اقرار خط عرفی مینگارد که احمد مبلغ صد هزار افغانی (کل دین) یا شصت هزار افغانی را از محمود تسلیم شده است.

آیا عمل محمود وصف تزویر را به خود می گیرد؟ اگر جواب مثبت باشد، پس وی طبق کدام ماده کود جزا مجازات خواهد شد؟

۲- یکتن از کارمندان یکی از شرکت های تجارتي، که مسؤولیت تسلیم شدن اموال فرستاده شده به شرکت را عهده دار است، به تعداد ۳۵ کارتن مال را از شرکت ارسال کننده تسلیم می شود، اما در سند تسلیمی می نویسد که وی به تعداد ۲۵ کارتن را تسلیم شده است.

۳- شخصی در محضر قضاء به صفت شاهد حاضر می گردد اما اسم یا صفت حقیقی خویش را پنهان نموده، خود را به نام وصفت دیگری معرفی و شهادت می دهد، سپس معلوم می گردد که وی در معرفی شخصیت خویش، معلومات درست را به قضا ارایه نکرده است.

۴ - شخصی در محکمه حاضر و خود را شوهر یک خانم مشخص معرفی نموده و اقرار میدارد که وی زوجه متذکره اش را طلاق داده است، سپس معلوم می‌گردد که وی شوهر حقیقی خانم مذکور نبوده است.

سوال: در مثال های ۲، ۳ و ۴، وصف جرمی شخص مرتکب چه می باشد؟ تزویر یا انتحال و ظایف؟ و طبق کدام ماده های فصل تزویر یا فصل انتحال و ظایف و القاب در کود جزا، محاکمه خواهد شد؟

هد: تزویر تصدیق نامه های طبی توسط طبیب:

ماده ۴۴۱ کود جزا، نوع دیگری از تزویر معنوی را بیان میدارد که در آن وصف و شخصیت مرتکب آن نیز نقش بارزی دارد، مانند اینکه طبیب، جراح، قابله و امثال آنان بخواهند خلاف حقیقت و واقعیت، حالات طبی معینی چون موجودیت یا عدم موجودیت حمل، مرض روانی، ضرب و جرح یا تحقق یا عدم تحقق وفات شخصی را با اصدار شهادتنامه یا تصدیقنامه مزور، ثابت سازند. ازینکه باور عمومی بالای طبیب و جراح و امثال آنان، برین است که ایشان با احترام به میثاق حرفه و مسلک، وظیفه شانرا با امانت داری به پیش می برند، لذا ارایه هرگونه گزارش و یا تصدیق مغایر با حقیقت، اعتماد عمومی مردم را صدمه رسانیده و تاثیر ناگواری بر اعتماد عمومی و منسوبین این حرفه و مسلک دارد، از همین رو کود جزا، این رفتار جرمی که در قالب تزویر معنوی به وقوع می پیوندد، را جرم انگاری و برای مرتکب آن مجازات " حبس متوسط تا سه سال " را پیش بینی نموده است. ماده ۴۴۱ کود جزا در زمینه چنین می گوید:

" (۱) هرگاه طبیب، جراح یا قابله یا سایر موظفین طبی، تصدیق مزور را با وجود علم در موارد موجودیت یا عدم موجودیت حمل، مرض روحی یا روانی، ضرب، جرح، کسر، عیب و یا وفات و یا سایر موارد به شخص بدهد، به حبس متوسط تا سه سال، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به اثر طلب چیزی برای خود و یا شخص دیگری و یا در بدل قبول و یا اخذ وعده یا بخشش ارتکاب گردد، مرتکب به جزای جرم رشوت مندرج این قانون، محکوم می‌گردد".

### فعالیت شماره (۱۳)

#### قضیه فرضی:

شخص (X) که متهم به ارتکاب جرایم بوده و امر گرفتاری وی صادر شده است، با مراجعه به یکی از شفاخانه‌ها، از داکتر می‌خواهد که تا به جای اسم حقیقی یکی از مریضانی که وفات یافته است، اسم وی را درج نماید، داکتر متذکره قبول و تصدیق وفات متهم را صادر می‌نماید. اقارب متهم با ارایه نمودن تصدیق وفات وی به خارنوالی، خواهان بستن قضیه وی گردیده و در نتیجه دوسیه وی حفظ می‌گردد. بعد از پنج سال شخص مذکور گرفتار و ثابت می‌گردد که سند تصدیق وفات وی، تزویری بوده است، داکتر مذکور به جرم تزویر محاکمه و قاضی با استناد به ماده ۴۴۱ کد جزا، وی را به "حبس متوسط تا سه سال" محکوم می‌نماید. خارنوال و وکیل مدافع داکتر مذکور هر دو بر این حکم اعتراض و استئناف خواهی می‌نمایند، اعتراض خارنوال روی این نکته است که: ازینکه داکتر مذکور بر اساس بند (۳) ماده (۴) کد جزا، موظف خدمات عامه و از جمله "اهل خبره است که تصدیق شان معتبر شناخته می‌شود"، لذا تزویر سند رسمی توسط وی در حین اجرای وظیفه صورت گرفته و بدین اساس وی باید طبق ماده ۴۳۸ کد جزا، به جزای حبس طویل محکوم گردد. اما وکیل مدافع داکتر مذکور ادعا دارد که: ازینکه داکتر مذکور سند تزویر شده را در مقابل اخذ مبلغ صد افغانی ترتیب و صادر نموده است، لذا حکم صادر شده محکمه ابتدائیه، قانونی نبوده، بلکه براساس فقره دوم ماده ۴۴۱ کد جزا و بند اول فقره اول ماده ۳۷۱ کد جزا، مجازات این جرم حبس قصیر تعیین گردیده است، محکمه استئناف با متاکد شدن از اخذ پول متذکره توسط داکتر، وی را به سه ماه حبس محکوم می‌نماید.

سوال:

۱- در میان اعتراضات خارنوال و وکیل مدافع و اجراءات محاکم متذکره کدام یکی درست و قانونی می باشد؟

۲- از نظر شما آیا میان جرایم و مجازات مندرج فقره های اول و دوم ماده ۴۴۱ کود جزا، تناسب و توازنی وجود دارد؟

### و: تزویر سند معلولیت توسط اشخاص عادی:

دقت در مطالعه مواد مندرج فصل تزویر در کود جزا، نشان دهنده آن است که قانون گذار حین تدوین کود جزا و تنظیم احکام مرتبط به این جرم، نتوانسته است، سیاق یا شیوه واحدی را در بیان مصادیق یا نحوه های مختلف این جرم، به کار گیرد، چنانچه تذکر داده شد که تزویر معنوی اسناد رسمی توسط موظف خدمات عامه، بیان اما به تزویر معنوی اسناد عرفی توسط اشخاص عادی اشاره ای نگردیده است، بر عکس در این جا وبعد از اینکه در ماده ۴۴۱ کود جزا از تزویر اسناد و شهادتنامه های طبی توسط اشخاص مسلکی چون طبیب و جراح نام برده و احکام آن را بیان نموده است، به تعقیب آن در ماده ۴۴۲ حکم ارتکاب تزویر سند معلولیت توسط اشخاص عادی که خواه توسط خود شخص معلول ترتیب شده باشد و یا هم شخص دیگری، چنین بیان گردیده است:

" شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری تصدیقی را در مورد اثبات معلولیت برای خود یا برای شخص دیگر به منظور تقدیم آن به مراجع ذیصلاح دولتی به قصد بهره برداری غیر مشروع برای خود یا دیگری بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می گردد".

چنانچه گفته شد، ظاهراً این ماده مجازات ارتکاب جرم تزویر سند معلولیت که توسط اشخاص عادی ترتیب شده باشد، را بیان میدارد، اما بعد از دقت در محتوی این ماده و مقایسه آن با احکام سایر مواد مرتبط به جرم تزویر در این فصل، نکات ذیل قابل ملاحظه دانسته می شود:

اول: در ماده های اولیه این فصل، مجرد ارتکاب فعل تزویر یک جرم، و استعمال آن جرم دیگری دانسته شده است، بدین معنی که مجرد ارتکاب جرم تزویر بدون داشتن نیت استعمال آن، نیز در ذات خود جرم گفته شده است، اما در این جا در تزویر اسناد برای اثبات معلولیت، هدف و قصد آن که همانا "تقدیم آن به مراجع ذی صلاح دولتی به قصد بهره برداری غیر مشروع برای خود یا دیگری...." می باشد نیز مباحثاً ذکر گردیده است، که چنین تعبیر و سیاق، حد اقل این شبهه را ایجاد می نماید که تزویر سند معلولیت در ذات خود وبدون داشتن قصد استعمال آن، جرم تلقی نمی شود، زیرا یکی از ارکان و عناصر آن معدوم می باشد.

دوم: ماده مزبور صرفاً از تزویر سند اثبات معلولیت توسط اشخاص دیگری غیر از طیب و جراح سخن میراند، اما این سوال مطرح می گردد که اگر شخصی برعکس سند اثبات معلولیت، سند اثبات صحت و سلامتی از هر نوع مریضی را تزویر کند تا از آن به نحوی بهره برده و یا بطور مثال وظیفه ای را بدست آرد، در حالیکه وضع صحی وی با محتوای سند مذکور مطابقت نداشته باشد، آیا ممکن است عمل شخص مذکور را نیز بر تزویر سند اثبات معلولیت قیاس کرد؟؟؟ دقیقاً جواب منفی خواهد بود، چون در مسایل جزایی قیاس جا و جواز ندارد، اما اگر رفتار شخص دومی را شامل رفتارهای جرمی مندرج تعریف تزویر نموده آنرا "ساختن یک نوشته یا سند" تلقی کنیم، پس در آن صورت جزای وی چه خواهد بود؟؟؟ و طبق کدام یک از ماده های فصل تزویر محاکمه خواهد شد.

### ز: استعمال سند تزویری:

چنانچه تذکر داده شد، کود جزای کشور در ماده های ۴۳۶ و ۴۳۷ خویش، مجرد ارتکاب جرم تزویر - بدون استعمال یا قبل از استعمال آن - وهمچنان استعمال و ادخال آن به کشور را به طور جداگانه جرم انگاری و هرکدام را قابل مجازات دانسته است، با آن هم در ماده ۴۴۳، استعمال سند تزویری مندرج ماده های متذکره را به گونه مستقل جرم انگاری و برای آن مجازات مغایر با مجازات مندرج ماده های ۴۳۶ و ۴۳۷ را تعیین و در زمینه چنین تصریح میدارد که:

"(۱) شخصی که اسناد مزور مندرج مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ این قانون را با وجود علم به تزویری بودن آن استعمال نماید، طوری که آن را به محکمه یا یکی از مراجع ذیصلاح دولتی تقدیم نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۲) شخصی که اسناد تزویر شده مندرج جزء ۷ ماده ۴۳۷ این قانون یا سایر اسناد غیر واقعی را به منظور شرکت در پروسه تدارکات یا عقد قرار داد استعمال نماید، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد".

#### تفکر انتقادی:

ملاحظه می‌گردد ماده مذکور در رابطه به استعمال سند مزور مندرج ماده های ۴۳۶ و ۴۳۷ کد جزا، مجازاتی را تعیین نموده است، که جزای آن حبس قصیر یا جزای نقدی پیش بینی شده است، در حالیکه در نفس همان ماده های یاد شده، جزای استعمال همان اسناد حبس، متوسط بیش از سه سال و حبس متوسط، پیش بینی گردیده و این تناقض صریح و واضح میان دو ماده قانون می باشد.

#### فعالیت شماره (۱۴)

قضایای فرضی: قضیه اول:

شخص (الف) با استناد و استعمال امر تزویر شده خارنوالی، شخص (ب) را گرفتار و در جای محبوس می سازد، سپس جرم وی کشف و به محاکمه کشانیده می شود، شما منعیث خارنوال یا قاضی، برای شخص (الف)، کدام یک از جزاهای مندرج ماده های ذیل کد جزا را، مطالبه یا تعیین می نمایید؟

الف: ماده ۵۸۷ کد جزا (حبس طویل تا هفت سال)

ب: ماده ۴۳۶ کد جزا (حبس متوسط بیش از سه سال)

ج: ماده ۴۳۷ کد جزا (حبس متوسط)

د: ماده ۴۴۳ کد جزا (حبس قصیر یا جزای نقدی)

قضیه دوم:

شخص (الف) حکمی از احکام محاکم کشور را در یکی از کشور های همسایه تزویر، سپس آنرا به کشور داخل نموده و غرض اجراءات بعدی و بهره برداری از محتوی آن، آنرا به یکی از مراجع ذی صلاح دولتی تقدیم می کند.

شخص (ب) حکمی از احکام محاکم کشور را صرفاً تزویر می نماید بدون اینکه آنرا استعمال نماید.

شخص (ج) حکمی تزویر شده یکی از محاکم کشور را در حالیکه میداند مزور است، به کشور داخل و به شخص دیگری تسلیم می نماید.

شخص (د) حکمی از احکام محاکم کشور را در حالیکه میداند تزویر شده است، استفاده نموده و آنرا به یکی از مراجع دولتی تقدیم می کند؟

سوال: مجازات هریک از اشخاص فوق الذکر طبق کدام ماده تعیین گردیده و آیا از نظر شما میان جرم و جزاهای هریک از مجرمین یاد شده، تناسبی دیده می شود؟

ح: استفاده بدون صلاحیت از مهر:

ماده ۴۴۰ کد جزا، در رابطه به استفاده غیر مجاز از مهر یک اداره دولتی و یا غیر دولتی، مجازاتی را پیش بینی نموده و تصریح میدارد که:

" (۱) شخصی که بدون صلاحیت، مهر اداره یا تصدی دولتی را بدست آورد، و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.

(۲) شخصی که بدون صلاحیت مهر اداره غیر دولتی را بدست آورده و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد."

دیده می‌شود که قانون‌گذار در این جا استفاده بدون صلاحیت از مهر یک اداره دولتی یا خصوصی، را جرم انگاری و برای آن مجازات حبس متوسط و قصیر را تعیین نموده است که تفاوت در مجازات هر دو جرم، به اعتبار اینکه مهر ادارات دولتی از اهمیت بیشتری برخوردار است، قابل درک می‌باشد.

اما آنچه که برخلاف سایر مواد قانونی این فصل، در این ماده متفاوت به نظر می‌خورد، شرط دانستن وقوع ضرر به منافع عمومی یا خصوصی، در استفاده از مهر است، که این شرط در سایر جرم انگاری های فصل تزویر تصریح نیافته است، در حالیکه جرم تزویر غالباً برای کسب منفعت غیر مشروع، یا رسانیدن ضرر به یک شخصیت حقوقی یا حقیقی دیگری، ارتکاب یافته، وقوع آن برای هدف دیگری غیر از این دو، کمتر تصور می‌گردد.

لذا باید دانست که عناصر جرم " استفاده بدون صلاحیت از مهر " از جرایم تزویری دیگر متفاوت بوده، وقوع ضرر در این جا از عناصر اساسی این جرم دانسته می‌شود، در حالیکه مجرد تزویر و یا ادخال سند تزویری به کشور، ولو اینکه ضرری را هم به دنبال نداشته باشد، جرم شناخته شده است.

البته تعیین و تشخیص عناصر اساسی این جرم، که عبارت است از: استعمال بدون صلاحیت (رفتار جرمی)، مهر (موضوع جرم) و نتیجه (وقوع ضرر به منافع عامه یا خصوصی)، خود سوالات و ملاحظاتی را بر می‌انگیزد، زیرا توافر تمامی عناصر یاد شده در وقوع این جرم، شرط تحقق جرم دانسته می‌شود، اما اگر یکی از عناصر یاد شده، معدوم باشد، پس در آن صورت حکم رفتار مذکور چه خواهد بود، مانند

اینکه شخصی با داشتن صلاحیت، مهتری را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند؟ یا اینکه بدون صلاحیت آن را به ضرر عامه یا شخصی استعمال کند، اما ضرر مذکور تحقق نیابد؟ بدین معنی که آیا مراد قانون گذار از این جمله که (به ضرر منافع عامه یا خصوصی) استعمال کند، تحقق عملی و وقوع ضرر است؟ یا اینکه مجرد داشتن قصد جرمی (رسانیدن ضرر) برای تام بودن جرم، کافی دانسته می شود؟ هرچند نتیجه یعنی وقوع ضرر تحقق نیابد.

از سوی دیگر، آنچه که این جرم را از سایر جرایم تزویری متفاوت می سازد این است که درین جرم، مهر اداره مورد نظر، تزویر نگردیده، بلکه مهر اصلی همان اداره است، که توسط یک شخصی بدون صلاحیت در پای مکتوب و یا سندی گذاشته شده و بدین صورت، صدور ترتیب سند یا نوشته مذکور، خلاف حقیقت به آن اداره نسبت داده شده است.

#### فعالیت شماره (۱۵)

##### قضایای فرضی:

خالد یکعمراده موتور نوع کرولای جدید وارد شده را خریداری نموده و مراحل اخذ نمبر پلیت را طی مراحل نکرده بود.

روز جمعه میخواست با دوستانش جایی میله برود، لذا نمبر پلیت موتور دیگری را به موتور جدیدش نصب و در جریان راه، ترافیک موتور وی را متوقف ساخته و خواستار اسناد موتور (جواز سیر) میگردد؛ خالد در جواب بیان میدارد که موتراسناد نداشته و جدیداً وارد گردیده است، خالد به اتهام نصب پلیت غیر واقعی، تحت باز پرس قرار میگیرد؛ پولیس بعداً قضیه را به خارنوالی راجع ساخته و موصوف به جرم تزویر مورد تحقیق و تعقیب قرار میگیرد. از نظر شما:

آیا وصف جرمی تزویر در این قضیه صدق میکند؟ اگر نمیکند وصف جرمی مناسب آن چیست؟  
- هرگاه شخص به جای گرفتن نمبر پلیت موتور دیگر، خودش نمبر پلیتی را به طور دلخواه خود بسازد، آیا عمل وی جرم تزویر شناخته می شود؟

پاسخ احتمالی:

قضیه متذکره تزویر نمی باشد بدلیل اینکه شامل هیچ یک از رفتارهای وارده در تعریف تزویر مندرج ماده ۴۳۶ کود جزا نمی گردد. اما عمل خالد جرمی است که کود جزا برای آن وصف " به کار انداختن غیر قانونی واسطه نقلیه) را داده و در ماده ۵۶۰ خویش در زمینه چنین حکم می نماید:

{ (۱) شخصی که واسطه نقلیه موتور دار را بدون جواز سیر و نمبر پلیت قانونی یا سند موقت به کار اندازد، به جزای نقدی بیست هزار افغانی، محکوم می شود.

(۲) شخصی که از جواز سیر یا نمبر پلیت واسطه نقلیه موتور دار دیگری استفاده نماید، یا جواز سیر و یا نمبر پلیت واسطه خود را غرض استفاده به دیگری دهد به جزای نقدی ازسی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می گردد }

در رابطه به سوال دومی، میتوان گفت که اگر به ظاهر تعریف سند در قانون مدنی نگاه شود که گفته است: سند " ورقی" است، پس نمبر پلیت ورق نیست و نباید تزویر گفته شود، اما اگر آنرا نوشته بدانیم و یا هم آن طوریکه دانشمندان حقوق نگاشته اند که " ذکر " ورق " در تعریف سند برای این است که در اغلب حالات، سند در " ورق " ترتیب داده می شود، اما ممکن است سند یا نوشته از اشیای دیگری غیر از ورق مانند: چرم، تکه، چوب، مس یا هر شیئی دیگری که قابلیت استعمال را داشته باشد، نیز ساخته شود<sup>۱</sup> پس در آن صورت ساختن نمبر پلیت نیز تزویر گفته می شود.

۱- حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص ۲۵۲.

## نتیجه گیری فصل اول:

خواننده محترم در خاتمه این فصل به نتایجی دست خواهد یافت که ذیلا به طور خلاصه یاد آوری می گردد:

- تزویر عبارت است از ساختن نوشته، سند، ساختن مهر، امضا، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم خور ساختن، الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب."
- تزویر به دو گونه مادی و معنوی صورت می گیرد، تزویر مادی آن است که اثر مشهود و فیزیکی دست کاری آن، در روی نوشته و یا سند، بجا بماند، خواه آثار مذکور بمجرد حواس، قابل لمس و درک باشد یا اینکه کشف آن به متخصص و اهل خبره نیاز داشته باشد، اما مراد از تزویر معنوی این است که نویسنده سند، خلاف اراده و هدف یک شخص، مفاهیم و یا اقوالی را به گونه کذب و تحریف به وی نسبت دهد، چنانچه شخصی که مکلف است معلومات مشخص و معینی را درج وثیقه یا سندی بنماید، خلاف حقیقت و یا اراده شخصی که معلومات متذکره به وی نسبت داده میشود، معلومات دیگری را در سند متذکره درج نماید.
- فرق میان جرم جعل و تزویر در این است که: موضوع جرم "جعل" پول مروج و اسناد بهادار و موضوع جرم تزویر، نوشته، اسناد، امضاء و مهر می باشد.
- سند به دو نوع رسمی و عرفی تقسیم شده و ماده ۹۹۱ قانون مدنی در رابطه به تعریف اسناد رسمی و عرفی چنین گفته است: که "سند رسمی ورقی است که موظف عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاص خویش آنچه را بحضور شان گذارش می یابد، یا از اشخاص ذیعلاقه کسب میکند، در آن درج و ثبت نموده باشند.

- در صورتیکه ورق مذکور صفت سند رسمی را کسب ننموده، مگر اشخاص ذی علاقه به آن امضاء، مهر یا نشان انگشت نموده باشند، حیثیت سند عرفی را دارد".
- نوشته یا سندی که موضوع جرم تزویر قرار می گیرد، شامل خصائص و ویژه گیهای ذیل می باشد: کتبی بودن نوشته و یا سند، دلالت آن، مفهوم بودن و ثبات آن، و نسبت آن به صاحب نوشته یا سند.
- سند رسمی دارای اوصاف و شرایط ذیل می باشد:
  - معلومات مندرج آن توسط موظف خدمات عامه تحریر شده باشد.
  - در حدود احکام قانون تدوین شده باشد.
  - در حدود صلاحیت اختصاص موظف خدمات عامه اجرا شده باشد.
- سند عرفی نیز انواع مختلف داشته و مکاتیب امضاء شده، تلگرام و مینوت مکاتیب، از جمله اسنادی است که در قانون مدنی سند عرفی خوانده شده است.
- عناصر مادی جرم تزویر شامل رفتار جرمی ( ساختن نوشته، سند، مهر و امضا به قصد تقلب، خراشیدن، تراشیدن، قلم خورساختن، الحاق، محو، اثبات و یا سیاه کردن سند، تقدیم یا تاخیر تاریخ حقیقی سند، الصاق نوشته به نوشته دیگری، به کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن به قصد تقلب ) موضوع جرم تزویر ( نوشته، سند، مهر، امضا و نشان انگشت) می باشد.
- جرم تزویر اسناد، از جرایم مطلق شمرده شده و به مجرد تحقق رفتار جرمی و موضوع جرم، جرم تکمیل می گردد. حصول ضرر به غیر، و یا حصول منفعت به تزویر کننده و یا دیگران از اجزای عنصر مادی نیست.

- همچنان جرم تزویر از جرایم عمدی است و نوع قصد جرمی از نوع قصد خاص (قصد تقلب) است. اما هدف نهایی متقلب از اجزای عنصر معنوی نیست. مراد از هدف نهایی قصد کسب منفعت غیر مشروع به خود یا دیگران و یا رساندن ضرر به دیگران است. بنابراین، داشتن نیت تقلب برای تحقق جرم کافی است. پس عنصر معنوی، جرم تزویر شامل قصد عام و قصد خاص هردو می باشد.
- در مجازات جرم تزویر اسناد، اهمیت سند و وصف مرتکب در نظر گرفته شده، و با در نظرداشت آن مجازات این جرم تشدید و تخفیف یافته است. به همین جهت، مجازات اسناد دارای اهمیت کمتر چون:
  - ۱- مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدی های دولتی.
  - ۲- مهر، امضاء یا علامه یکی از موظفین خدمات عامه.
  - ۳- علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره.
  - ۴- جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.
  - ۵- اوراق مالی بانکها که صدور آن قانوناً مجاز باشد.
  - ۶- شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی.
  - ۷- جواز شرکت های غیر واقعی.
  - ۸- لایسنس و جواز سیر.
  - ۹- تذکره تابعیت.
  - ۱۰- پاسپورت.
  - ۱۱- سند مسافرت
  - ۱۲- سند اقامت
  - ۱۳- سایر اسنادی رسمی که از مراجع دولتی ترتیب و صادر می گردد.
 حبس متوسط پیش بینی شده است.

- هرگاه موظف خدمات عامه در جریان وظیفه اسناد رسمی مندرج فقره (۱) ماده ۴۳۸ کود جزا را تزویر نماید، به حبس طویل محکوم می‌شود. این اسناد شامل «احکام صادره، تصاویر، وثایق، کتب ثبت اسناد، دفاتر و سایر اسناد و نوشته های رسمی» می‌گردد. اما اگر موظف مذکور اسناد عرفی را تزویر نماید به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد، مجازات می‌شود.
- هرگاه غیر موظف خدمات عامه اسناد فوق را (اسناد رسمی مندرج فقره (۱) ماده ۴۳۸ و یا اسناد عرفی) تزویر نماید به جزای حبس متوسط یا حبس طویل محکوم می‌شود.
- در رابطه به این ماده در رابطه به عنوان این ماده ( ارتکاب جرم توسط موظف خدمات عامه، عمدی بودن تزویر، و شدید بودن مجازات اشخاص عادی نسبت به موظف خدمات عامه)، موضوعاتیست که قابل نقد و ملاحظه دانسته می‌شود.
- تزویر در متن یا شکل اسناد هنگام تحریر: (تزویر معنوی) شامل: تغییر در اقرار شخص و درج واقعه مزوره به شکل واقعه صحیح و یا عکس آن، می‌گردد.
- مجازات استعمال سند تزویری حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی تعیین گردیده است.
- مجازات استفاده بدون صلاحیت از مهر دولتی حبس متوسط، و مهر غیر دولتی حبس قصیر تعیین گردیده است، مشروط بر اینکه به قصد رسانیدن ضرر به منافع عامه یا خصوصی استفاده شده باشد.

## فصل دوم

### محول یا شکستاندن مهر

#### اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مفهوم جرم محو یا شکستاندن مهر را بیان نمایند؛
- ☞ عناصر تشکیل دهنده جرم محو یا شکستاندن مهر را تشخیص درست بدهند؛
- ☞ جزای جرم محو یا شکستاندن مهر را بصورت درست تطبیق نماید.

#### عناوین:

- مفهوم جرم تزویر اسناد؛
- عناصر تشکیل دهنده جرم تزویر اسناد؛ و
- جزای جرم محو یا شکستاندن مهر.

## فصل دوم

### محو یا شکستاندن مهر

#### مقدمه:

ادارات دولتی برای محافظت محل، اجناس، اسناد و اشیای مهم و معین، همواره از وضع مهر و لاک بالای آنها استفاده مینمایند، تا اینکه به جز از اداره مربوطه شخص دیگری حق دسترسی به آنها را نداشته باشد، گاهی هم برای جلوگیری از ورود اشخاص که قبلاً اجازه ورود و استفاده از محل، اداره یا بخش خاصی در یک اداره را داشته اند، اما حالا حسب صوابدید اداره و یا محکمه مربوطه اجازه ورود را ندارند، چنین مهرگذاری صورت می گیرد، که در حالات یاد شده و حالات مشابه آن، بجز از اداره ذیصلاح، هیچ جهت یا شخص دیگری حق محو و شکستاندن مهر وضع شده را ندارد، و شکستاندن یا محو آن، در قوانین جزای کشور جرم انگاری و برای مرتکب آن مجازات تعیین شده است.

احکام محو مهر یا شکستاندن مهر در فصل پانزدهم قانون جزای ۱۳۵۵ تنظیم گردیده بود. در کود جزای ۱۳۹۶ نیز محو یا شکستاندن مهر از جمله جرایم فساد اداری و مالی شمرده شده و احکام آن ضمن ماده‌های ۴۵۶ و ۴۵۷ این کود تنظیم گردیده است. همچنان قانون مبارزه با فساد اداری منتشره جریده رسمی شماره ۱۳۱۴ مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۸ در ماده پنجم خویش، محو یا شکستاندن مهر را از جمله جرایم فساد اداری دانسته است.

در این فصل موضوعاتی از قبیل تعریف، عناصر و مجازات این جرم، ضمن دو مبحث، شرح می‌گردد.

### مبحث اول: مفهوم و عناصر جرم محو یا شکستاندن مهر:

محو یا شکستاندن مهر بدین علت جرم انگاری گردیده است که به هیبت و سیادت دولت صدمه می‌رساند و این عمل نوعی بی حرمتی به اجراءات و تصامیم ادارات دولتی شمرده می‌شود و افزون بر آن منجر به از بین رفتن منافعی می‌گردد که به خاطر آن مهر گذاشته شده است.

در این مبحث ابتدا به تعریف این جرم سپس به بیان عناصر آن پرداخته می‌شود.

### گفتار اول: مفهوم جرم محو یا شکستاندن مهر:

جرم محو یا شکستاندن مهر، در هیچ‌یک از مواد قوانین جزایی کشور، تعریف نشده است، بلکه قانون گذار چه در قانون جزای ۱۳۵۵ و چه در کود جزای ۱۳۹۶ بعد از بیان عنوان جرم، به گونه مستقیم به ذکر رفتار جرمی و مجازات مرتکب آن پرداخته است. چنانچه در ماده (۳۴۰) قانون جزا و ماده (۴۵۶) کود جزا ملاحظه می‌شود. ذیلاً نخست متن ۴۵۶ کود جزا را ذکر می‌گردد به تعقیب آن مفاهیم آن شرح و تحلیل می‌گردد.

ماده ۴۵۶ کود جزا در رابطه به این جرم چنین می‌گوید:

از بین بردن مهر محل حفاظت شده:

" (۱) شخصی که مهر محل، اوراق یا اجناس را که به امر یکی از ادارات دولتی بمنظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت و استفاده مهر شده باشد، از بین ببرد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده محافظ مربوطه باشد، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه محل، اوراق یا اجناس مندرج فقره (۱) این ماده به امر محکمه مهر شده باشد، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر محکوم می‌گردد.

(۴) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به اثر اهمال محافظ مربوط صورت گرفته باشد، محافظ متذکره به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد".

با دقت در فقره اول این ماده میتوان گفت که مراد از جرم محو یا شکستادن مهر در کود جزا، " زایل ساختن مهر محل، اوراق یا اجناسی است که به منظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت، از جانب یکی از ادارات دولتی بالای اشیای یاد شده گذاشته شده باشد".

شرح اجزای تعریف:

الف: مهر:

مهر، عبارت از قطعه معدنی، سنگی ویا هر چیز دیگری است که حاوی نقش و نوشته مخصوصی بوده، مضمون و نقش آن حین استخدام، دلالت بر ملکیت و تعلق آن به صاحب مهر دارد. بدین معنی که هر شخص یا هر اداره، مهر مخصوص به خود را داشته و نهادن آن در نوشته ها و مکاتیب مربوط، به معنای نسبت دادن آن به همان شخص یا اداره و صحت آن می باشد.<sup>۱</sup>

البته منظور از گذاشتن مهر بالای اشیای یاد شده، چنانچه در قانون نیز تذکر رفته است، حفاظت یا ممانعت از فعالیت می باشد، تا به جز از اداره مربوطه هیچ کسی دیگری نتواند در اشیای فوق الذکر تصرف کند، یا فعالیت محلی را دوباره آغاز کند که با مهر گذاشتن مسدود شده است. ملاحظه می‌شود که قانون گذار فقط از مهر نام برده است، پس این پرسش مطرح می‌شود که اگر وسیله دیگری غیر از مهر به کار گرفته شود مانند چسپاندن " استیکر"، چسپاندن " ورق امضا شده بدون مهر"، امضا نمودن محل کلید در " قفل" وغیره ... آیا این وسایل حکم مهر را می‌گیرد یا خیر؟

در جواب باید گفت: چون در متن قانون مشخصاً از " مهر" نام برده شده است، لذا نمیتوان سایر وسایل را بالای آن قیاس نمود و محو یا شکستادن آنها را جرم انگاری کرد چون جرم انگاری بر اساس قیاس خلاف اصل قانونیت جرم و جزا است.

<sup>۱</sup> - [https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post\\_۶۹.html](https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post_۶۹.html)

**ب: محو یا شکستاندن:**

ملاحظه می‌گردد که قانون گذار عنوان فصل یازدهم را "محو یا شکستاندن مهر" نام گذاری نموده است، سپس در عنوان ماده ۴۵۶ عبارت "از بین بردن مهر" را به کار برده و در عنوان ماده ۴۵۷ لفظ "شکستاندن مهر" را، اما در متن ماده ۴۵۶ عبارت "از بین بردن" به کار رفته است. بهتر بود قانونگذار هردو تعبیر را در تمام موارد استفاده می‌کرد تا اشتباهاً چنین برداشت نشود گویا "از بین بردن مهر" یک عمل جرمی و "شکستاندن مهر" عمل جرمی دیگری است.

محو و شکستاندن از لحاظ الفاظ متفاوت اند اما هدف و نتیجه آنها یکی است. چنانچه در فصل تزویر تذکر داده شد، مراد از محو "از بین بردن کلی یا جزئی یک نوشته یا سند از طریق پاک کردن آن با استفاده از هرگونه مواد عادی یا شیمیایی، جوهر پاک‌کن و غیره می‌باشد". اما برعکس "شکستاندن" ممکن است به قطعه کردن و جداساختن نقش و اثر مهر از همدیگر و تقسیم آن به چند جزء؛ بدون از بین رفتن و پاک شدن کلی آثار و یا نوشته آن، تفسیر گردد.

**گفتار دوم: عناصر جرم محو یا شکستاندن مهر:**

این جرم مثل هر جرم دیگر دارای عنصر قانونی، مادی و معنوی است. تحت این گفتار عنصر مادی و معنوی این جرم توضیح داده می‌شود. عنصر قانونی ضمناً بیان می‌گردد.

**مطلب اول: عنصر مادی:**

جرم محو و یا شکستاندن مهر از جرایم نتیجه‌جوی است. لهذا عنصر مادی آن عبارت است از رفتار جرمی، موضوع جرم، نتیجه و رابطه سببیت که هرکدام ذیلاً به گونه مختصر شرح می‌گردد.

**فرع اول: رفتار جرمی (از بین بردن):**

بر اساس فقره اول ماده ۴۵۶ کود جزا، رفتار جرمی در این جرم عبارت است از "از بین بردن".

وسیله و شکل از بین بردن: قابل ذکر است که قانون برای از بین بردن وسیله و یا شکل خاص را شرط نگذاشته است. لهذا از بین بردن مهر خواه از طریق محو باشد یا شکستادن، یا سوختاندن، یا سیاه کردن و یا پاره کردن یا هر وسیله دیگری که مهر را از حالت عادی و طبیعی آن خارج ساخته و مفهوم یا مدلول آن را زایل سازد، این جرم را به وجود می آورد.

مرتکب: قانون از کلمه (شخص) استفاده نموده است، لهذا صفت مرتکب از اجزای عنصر مادی نیست، بلکه مرتکب این جرم هر شخص می تواند باشد. البته که قانونگذار صفت مرتکب را در حق محافظ به حیث حالت مشدده پیش بینی نموده است که در مبحث دوم تحت عنوان مجازات به آن پرداخته خواهد شد.

#### فرع دوم: موضوع جرم: (مهر ادارات دولتی):

یکی از اجزای عنصر مادی این جرم، موضوع جرم است. به این معنی که رفتار "از بین بردن" زمانی این جرم را به وجود می آورد که موضوع آنرا مهر تشکیل دهد، پس اگر امضاء، یا ستیکر و یا کاغذ غیر ممهور یک اداره دولتی از بین برده می شود این جرم شکل نمی گیرد. راجع به موضوع جرم سه شرط در ماده ۴۵۶ پیش بینی شده است:

شرط اول: نسبت مهر: مهر مربوط به یکی از ادارات دولتی باشد و یا به امر آن مهر شده باشد. چون قانون تصریح کرده است که «... که به امر یکی از ادارات دولتی... مهر شده باشد». آیا شاروالی و غیره شخصیت‌های عمومی شامل لفظ "ادارات دولتی" می شود؟ تفسیر مضیق ایجاب می کند که نه؛ اما هدف مقنن و این واقعیت که در قوانین افغانستان در کاربرد اصطلاحات حقوق عمومی دقت لازم به خرج نرفته است و در موارد متعدد از شخصیت‌های عمومی به عنوان دولت یاد شده است، ایجاب می کند که مهر این ادارات مشمول حمایت این ماده قانون قرار گیرد.

شرط دوم: منظور از وضع مهر: از بین بردن مهر دولتی و یا مهری که به امر یکی از ادارات دولتی گذاشته شده است، فقط زمانی جرم مندرج این ماده را به بار می آورد که هدف از مهر یکی از اغراض ذیل باشد:

الف: به منظور حفاظت از اشیای یاد شده گذاشته شده باشد تا کسی به آن دست نزنند مانند مهر گذاشتن ادارات کشف، تحقیق و یا محاکمه روی دلایل و آثار جرم.

ب: به منظور ممانعت از فعالیت اشیای یاد شده گذاشته شده باشد، مانند مهر گذاشتن روی دکانی که تخلف ورزیده است به حیث یک جزا یا تدبیر احتیاطی.

ج: به منظور منع استفاده از اشیای یاد شده گذاشته شده باشد مانند مهر گذاشتن روی موتور ضبط شده تا کسی آنرا استفاده نکند.

اهداف فوق از این متن فقره (۱) ماده ۴۵۶ قابل استنباط است که تصریح نموده «... به منظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت و استفاده مهر شده باشد...».

شرط سوم: محل (جای) مهر: شرط است که مهر بالای «محل، اوراق یا اجناس» گذاشته شده باشد چون در قانون فقط این سه مورد ذکر است. مثال مهر محل: مانند مهر دواخانه، رستوران، دکان و غیره. مثال مهر اوراق: مانند اوراق مربوط به دعوی و یا اوراق مربوط به جرم که بعد از کشف و ضبط مهر می شود تا کسی آنرا ضایع نسازد. مثال مهر اجناس: مانند مهر موتور، سلاح و اشیای ضبط شده در محل جرم و غیره. آیا مهر بر چیزی غیر از موارد یاد شده قابل تصور است تا خارج از دایره این جرم قرار گیرد؟ سوالی است که نیاز به مباحثه در صنف بین اشتراک کنندگان دارد.

قابل ذکر است که هریک از اهداف سه گانه فوق بالذکر (مهر به منظور حفاظت، مهر به منظور منع فعالیت و مهر به منظور منع استفاده) با محل خاصی اختصاص دارد. به این معنی که هدف " منع فعالیت" در حق " محل" صدق خواهد داشت، اما در رابطه به اوراق یا اجناس نمیتوان گفت که مهر کردن آنها به منظور منع فعالیت آنها صورت گرفته است بلکه به هدف حفاظت از آنها و منع استفاده از آنها آن جام شده است.

## فعالیت شماره (۱۶)

## قضیه فرضی:

یکی از رستوران‌های که در شهر کابل فعالیت دارد، به علت عدم رعایت قوانین صحتی، از طرف شاروالی کابل جریمه و برای مدتی مسدود می‌شود به گونه‌ی که شاروالی کابل یک استیکر چاپ شده که در آن نام شاروالی کابل و جمله "فعالیت رستوران متوقف است" نگاشته شده است را در دروازه رستوران مذکور، چسپانیده است، بدون اینکه مهر مخصوص شاروالی را داشته باشد. صاحب رستوران استیکر مذکور را پاره نموده و رستوران خود را باز می‌نماید. شاروالی شخص مذکور را به جرم "محو یا شکستادن مهر" به شارنوالی معرفی و شارنوال مربوط علیه وی اقامه دعوی می‌نماید. وکیل مدافع متهم ادعای براءت موکل خویش را نموده و استناد می‌نماید که قانون گذار در این جا صریحا از مهر نام برده است اما ورقه یا استیکر چسپانده شده از جانب شاروالی خالی از مهر بوده است، بناء نسبت دادن این وصف جرمی از سوی شارنوال در حق موکل وی صدق نمی‌کند.

سوال: از نظر شما آیا صاحب رستوران مرتکب محو یا شکستادن مهر گردیده است و یا خیر؟ در میان استدلال شارنوال و وکیل مدافع متهم، کدام یکی درست و با قوانین مطابقت دارد؟

## فرع سوم: نتیجه:

جرم محو یا شکستادن مهر از جمله جرایم نتیجه‌جوی است. نتیجه عبارت است از از بین رفتن مهر به گونه‌ی که مدلول و آثار آن ضایع شود چه شیئی مهمور از سوی محو کننده مورد استفاده قرار گیرد یا خیر. زیرا داخل شدن و یا بازکردن محل مهر شده، و یا استفاده یا ضایع ساختن شیئی مهر شده نتیجه این جرم نیست بلکه از بین بردن مهر نتیجه است. لهذا به مجرد شکستن و یا محو مهر جرم تکمیل می‌گردد ولو محل، اوراق و یا اجناس مهر شده مورد استفاده قرار نگیرد. و اگر شخصی اقدام به محو یا شکستن مهری بکند، و به آن موفق نگردد رفتار او شروع به جرم تلقی خواهد شد.

ادارات دولتی مهر گذاری روی اشیای یاد شده را عموماً به منظور حفاظت یا منع فعالیت یا منع استفاده از اشیای یاد شده، آن‌جام می‌دهند، تا شخص نتواند به محل مهر شده داخل شود، یا از محل، اوراق، وسایل و آلات مهر شده استفاده نماید و آنرا به کار اندازد، یا اینکه فعالیت محل دفتر، یا ماشین آلات معینی را مجدداً آغاز نماید. طوریکه ملاحظه گردید، داخل شدن در محل، آغاز مجدد فعالیت و استفاده از اجناس مذکور، نتیجه جرم دانسته نمی‌شود، بلکه به مجرد "از بین بردن" مهر یک اداره دولتی، جرم تام دانسته می‌شود، خواه به محل داخل شده بتواند یا خیر؟ یا اینکه عملاً از اجناس مذکور استفاده بتواند یا نه.

### فعالیت شماره (۱۷)

#### قضیه فرضی:

احمد دریکی از مناطق شهر محلی برای فروش اسباب بازی اطفال داشته و در آن‌جا انواع مختلفی از بازیچه‌های اطفال را می‌فروشد. در روزهای عید قربان باوجود اعلانات مکرر پولیس مبنی بر ممنوعیت فروش "پتاقی" وسایل بازی خطرناک، بازهم وی به فروش اشیای ممنوعه ادامه می‌دهد. پولیس وی را گرفتار و دروازه محل وی را مهر می‌نماید تا هیچ‌کسی نتواند آنرا باز و اجناس موجوده آنرا به فروش برساند.

فردای آن روز، حمید برادر احمد، بدون اینکه به مهر قومندانی پولیس دست بزند، دروازه اصلی محل را به حال خودش گذاشته و در جانب دیگر محل مذکور، دروازه‌ای را باز و عملاً به فروش مجدد وسایل بازی اطفال ادامه می‌دهد، پولیس حمید را نیز گرفتار و خارنوال وی را به جرم محو یا شکستادن مهر، متهم می‌سازد. اما وکیل مدافع حمید استناد می‌نماید که نسبت این وصف جرمی از جانب خارنوال نادرست می‌باشد، زیرا وی به مهر وضع شده از جانب پولیس تعرضی نکرده و مهر مذکور به حال خود باقی است. محکمه نیز اعتراض وکیل مدافع را موجه دانسته و به براءت حمید حکم می‌نماید.

سوال: از میان استدلالات خارنوال، وکیل مدافع و محکمه کدام یکی از آنها موجه و قانونی می‌باشد؟ و دیدگاه شما در خصوص این قضیه چیست؟

**فرع چهارم: رابطه سببیت:**

هرگاه محو یا شکستادن مهر را از جمله جرایم نتیجوی بدانیم، طبیعتاً وجود رابطه سببیت میان رفتار جرمی و تحقق نتیجه که همانا "از بین رفتن" مهر است، حتمی بوده و موجودیت آن رکنی از ارکان عنصر مادی این جرم شناخته می‌شود.

بناء هرگاه مهر مذکور به علل و اسباب دیگری غیر از عمل شخص مرتکب از بین رفته باشد، مانند اینکه به اثر تعرض به شعاع آفتاب پوسیده شود، یا به اثر وزش باد و طوفان از جا کنده شود یا اینکه با ریزش باران یا رسیدن آب به مهر مذکور، یا هر وسیله و حادثه دیگر غیز از رفتار عمدی مرتکب، از بین برود، مسلماً در آن‌جا جرم محو یا شکستادن مهر تحقق نیافته است.

**مطلب دوم: عنصر معنوی:**

این جرم از جرایم عمدی است. لهذا عنصر معنوی آن متشکل از علم و اراده می‌باشد. بدین معنی که وقوع این جرم از شخصی متصور است که حین ارتکاب این جرم، به موارد ذیل آگاهی و علم داشته باشد:

الف: علم به اینکه مهر مذکور از جانب یکی از ادارات دولتی بالای محل، اوراق یا اجناس معین گذاشته شده است.

ب: علم به اینکه مهر مذکور به منظور حفاظت، منع فعالیت یا منع استفاده از اشیای مذکور گذاشته شده است.

اما شخص مذکور با وجود آگاهی و داشتن علم تام به موارد فوق الذکر، با قصد و اراده مهر مذکور را محو نماید، بشکند یا به هر وسیله ممکنه دیگری آنرا از بین ببرد، در آن صورت عنصر معنوی جرم مذکور تحقق یافته و ارتکاب جرم توسط شخص مذکور، آن‌جام داده شده است.

## فعالیت شماره (۱۸)

## سوال مباحثوی:

شخصی با وجود علم و آگاهی از اینکه مهر مذکور به دروازه دفتر وی از جانب مقامات ذی صلاح دولتی گذاشته شده است تا کسی بدون اجازه به آنجا داخل نشود، اما از اینکه وی معتقد است که اداره مذکور حق مهر کردن دفتر وی را ندارد، عمدا مهر مذکور را از بین می برد، آیا وی جرم " از بین بردن مهر" را مرتکب شده است یا خیر؟

## پاسخ احتمالی:

بلی، عمل وی جرم دانسته می شود، هرچند وی معتقد باشد که اداره مذکور حق مهر گذاشتن یا منع فعالیت دفتر وی را ندارد، زیرا داشتن یا نداشتن چنین باوری در متن قانون، پیش بینی نشده و در صورت داشتن چنین اعتقادی وی باید منازعه خویش را با همان اداره از طریق مراجع ذی صلاحی چون محاکم حل و فصل نماید، نه اینکه مهر مذکور را خود سرانه از بین ببرد.

### مبحث دوم: جزای جرم محو یا شکستاندن مهر:

جزای پیش بینی شده برای ارتکاب این جرم از جزای نقدی آغاز و تا حبس متوسط، تشدید می یابد. قانون گذار در تعیین جزای این جرم مسایلی چون وصف مرتکب، اداره دولتی مهر کننده و چگونگی ارتکاب جرم را مد نظر داشته و نظر به حالات و اوضاع یاد شده، جزاهای مناسب حال را تعیین نموده است که در سطور بعدی بیان می گردد.

### گفتار اول: جزای جرم محو یا شکستاندن مهر، نظر به وصف مرتکب:

طوریکه از متن مواد ۴۵۶ و ۴۵۷ این کود بر می آید، مرتکبین این جرم به سه دسته تقسیم می شوند: اشخاص عادی (عموم مردم)، محافظ و شخص محکوم به جنایت. ذیلاً جزای هر کدام بیان می گردد.

### الف: محو یا شکستاندن مهر توسط اشخاص عادی:

فقرة اول ماده ۴۵۶ در رابطه به ارتکاب این جرم توسط اشخاص عادی چنین تصریح میدارد:

"(۱) شخصی که مهر محل، اوراق یا اجناس را که به امر یکی از ادارات دولتی بمنظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت و استفاده مهر شده باشد، از بین ببرد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد."

جزای مذکور جزای حالت عادی این جرم است. طوریکه ملاحظه میشود قانون گذار در این جا مطلقاً از "شخص" نام برده است. شخص در این سیاق تمام اشخاص را شامل می شود خواه این شخص اشخاص عادی باشند یا کارمندان ادارات دولتی و موظف خدمات عامه به استثنای محافظ و همچنان به استثنای شخص محکوم به جنایت، زیرا قانون گذار برای آنها جزای شدیدتری پیش بینی نموده است.

**ب: محو یا شکستاندن مهر توسط محافظ:**

فقرة دو ماده ۴۵۶ کد جزا در رابطه به ارتکاب جرم توسط محافظ اشیای یاد شده، مجازات شدیدتری را پیش بینی نموده است. زیرا محافظ افزون بر کسر هیئت اداره دولتی و ضایع ساختن مصالح عمومی، به اعتمادی که دولت به وی نموده است و وظیفه نگهبانی از محل، اوراق و یا اجناس مهر شده را به او سپرده است، نیز خیانت نموده است.

فقرة مذکور در زمینه چنین تصریح میدارد که:

" (۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقرة (۱) این ماده محافظ مربوطه باشد، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد."

البته از سیاق این ماده چنین برداشت می‌گردد که مراد از محافظ در این جا همان محافظی است که به گونه رسمی مسؤولیت حفاظت از اشیای مندرج فقرة اول این ماده را به عهده داشته باشد، اما اگر شخص مذکور به صورت غیر رسمی و یا هم غیر مشروع یعنی بدون علم و آگاهی مقامات ذی صلاح، بدون تعیینات رسمی، مسؤولیت مال معینی را عهده دار گردیده و سپس مهر آن را محو یا بشکند، ظاهراً بر اساس فقرة اول این ماده مجازات خواهد شد.

**ج: محو یا شکستاندن مهر توسط شخص محکوم یا متهم به جنایت:**

صورت دیگری که در آن وصف مرتکب این جرم و شخصیت وی، سبب تشدید مجازات گردیده است، محکوم بودن یا متهم شدن شخص به جنایت است، که در آن صورت شخص مذکور به شدیدترین مجازات مندرج این فصل یعنی "حبس متوسط" محکوم می‌گردد، ماده ۴۵۷ کد جزا، در زمینه حکم میکند که:

" هرگاه جرم مندرج ماده ۴۵۶ این قانون توسط شخصی ارتکاب یابد که در جنایت، محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط و محافظی که به اثر اهمال او مهر محو یا شکستانده شده، به حد اکثر حبس قصیر، محکوم می‌گردد."

البته سیاق این ماده بیانگر آن است که قانون گذار درین جا به گونه مطلق از محکوم شدن شخص به جنایت یا متهم شدن وی، سخن میزند، بدون اینکه قید یا اشاره گذاشته شده باشد که جرم جنایت دیگر، با جرم محو یا شکستادن مهر، ارتباطی داشته باشد یا نه؟ بنابراین، شرط نیست که جرم جنایت مذکور با مهر به نحوی از انحا ارتباط داشته باشد.

### فعالیت شماره (۱۹)

#### تفکر انتقادی:

ماده های ۳۴۱ و ۳۴۲ قانون جزای ۱۳۵۵ در ادامه بیان احکام جرم محو یا شکستادن مهر، گفته بود که: « هرگاه اوراق یا اجناس مهر شده مربوط به شخصی باشد که در جنایت محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد محافظیکه به اثر اهمال او مهر محو یا شکستاده شده به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از نه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از نه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد».

#### ماده ۳۴۲:

« ۱- شخصیکه مهر اوراق یا اجناس مندرج ماده (۳۴۱) این قانون را که بمنظور حفاظت صورت گرفته باشد محو کند یا بشکند به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.

۲- اگر مرتکب جرم مندرج فقره فوق شخص محافظ باشد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.»

ملاحظه می شود که در قانون جزای ۱۳۵۵ مشخصاً از ارتباط داشتن مال مهر شده به شخص مرتکب جنایت یا متهم به جنایت، اهمال محافظ این مال، شخص محو کننده مهر این مال، و ارتکاب این جرم توسط شخص محافظ این اموال، یاد آوری نموده و شکی نیست که این شیوه باهم ربط منطقی داشته و مجازات پیش بینی شده نیز نظر به موقف و مسؤولیت هرکدام، تناسبی دارد.

اما در کود جزا، این ترتیب و نگرش کاملاً به هم خورده و مستقیماً به مجازات مرتکب جرم شکستاندن مهر که شخص مذکور در عین حال محکوم به جنایت یا متهم به جنایت دیگری باشد، پرداخته است. که این خود سوالات و ملاحظات ذیل را بر می انگیزد:

الف: آیا جنایت دیگری که شخص مرتکب جرم محو یا شکستاندن مهر، بدان محکوم یا متهم شده است، ربطی به جرم محو مهر دارد یا نه؟

ب: در صورت محکوم شدن مرتکب جرم شکستاندن مهر، به جنایت دیگر، ممکن است تشدید مجازات وی، توجیه گردد، اما در صورتیکه مجرد اتهام بوده و احتمال برائت شخص نیز مطرح باشد، پس چرا مجرد اتهام سبب تشدید مجازات مرتکب جرم شکستاندن مهر گردد؟

ج: بر عکس قانون جزا، در این جا جزای مرتکب جرم شکستاندن مهر که به جنایت محکوم شده باشد، بیشتر و شدیدتر از جزای است که برای محافظ مال مذکور تعیین شده است.

د: در کود جزا هیچ اشاره به تعلق داشتن محل یا اجناسی که مهر آن شکستانده شده است، به جنایت قبلی یا مرتکب آن جنایت نشده است، بناء تشدید مجازات مرتکب در این جا روی چه علت و سببی بوده و از سایر حالات ارتکاب جرم محو یا شکستاندن مهر، چه تفاوتی دارد؟

### گفتار دوم: جزای جرم محو یا شکستاندن مهر، به سبب اهمال موظف:

احیاناً محافظ محل، اوراق یا اجناس، ذاتاً مرتکب جرم نمی شود، اما در وظیفه محافظت اهمال می ورزد و این اهمال سبب وقوع جرم یا میسر شدن زمینه برای ارتکاب همین جرم می گردد. کود جزا محافظ اهمال کننده را در فقره ۴ ماده ۴۵۶ چنین قابل مجازات دانسته است:

" (۴) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده به اثر اهمال محافظ مربوط صورت گرفته باشد، محافظ متذکره به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد."

ازینکه مجازات مندرج ماده ۴۵۷ شدیدترین جزای است که برای مرتکب جرم محو یا شکستاندن مهر در نظر گرفته شده، لذا مجازات محافظی که به سبب اهمال او، جرم مندرج این ماده ارتکاب یافته است، نیز شدیدتر از جزای است که در ماده ۴۵۶ تعیین شده است.

ماده ۴۵۷ تصریح میدارد که "هرگاه جرم مندرج ماده ۴۵۶ این قانون توسط شخصی ارتکاب یابد که در جنایت، محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط و محافظی که به اثر اهمال او مهر محو یا شکستانده شده، به حد اکثر حبس قصیر، محکوم می‌گردد".

### گفتار سوم: جزای جرم محو یا شکستاندن مهر محکمه:

چنانچه تذکر داده شد، کد جزا در تعیین مجازات مرتکب این جرم، اهمیت اداره را نیز در نظر داشته است که مهر خویش را بالای اجناس، اوراق یا محلاتی گذاشته است تا اشیای مذکور را حفاظت، یا از فعالیت یا استفاده آن جلوگیری کند، و به همین جهت جزای محو یا شکستن چنان مهر را تشدید بخشیده است.

در میان مجموع ادارات دولتی، قانون گذار درین جا به مهر وضع شده از جانب محکمه، اهمیت خاصی داده و برای شخصی که جرم محو یا شکستاندن مهر محکمه را مرتکب گردیده است مجازات حد اکثر حبس قصیر را پیش بینی نموده است. فقره سوم ماده ۴۵۶ این کد تصریح میدارد که:

"(۳) هرگاه محل، اوراق یا اجناس مندرج فقره (۱) این ماده به امر محکمه مهر شده باشد، مرتکب به حد اکثر حبس قصیر محکوم می‌گردد".

## نتیجه گیری فصل دوم:

مهمترین نتایج این فصل عبارت است از:

۱. در این فصل جرم محو یا شکستادن مهر بررسی گردید؛
۲. در کود جزای افغانستان، محو یا شکستادن مهر از جمله جرایم فساد اداری و مالی شمرده شده و احکام آن ضمن ماده های ۴۵۶ و ۴۵۷ این کود تنظیم گردیده است؛
۳. مراد از جرم محو یا شکستادن مهر در کود جزا، "زایل ساختن مهر محل، اوراق یا اجناسی است که به منظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت، از جانب یکی از ادارات دولتی بالای اشیای یاد شده گذاشته شده باشد"؛
۴. عنصر مادی جرم محو یا شکستادن مهر شامل، رفتار جرمی (از بین بردن)، صفت مرتکب (شخص) خواه موظف خدمات عامه باشد یا هر شخصی دیگری، موضوع جرم (مهر یکی از ادارات دولتی که به منظور حفاظت یا ممانعت از فعالیت و استفاده وضع شده باشد)، نتیجه و رابطه سببیت می باشد؛
۵. جرم محو یا شکستادن مهر از جمله جرایم نتیجه جوی است و نتیجه آن هم مجرد محو یا شکستادن مهر وضع شده بالای اجناس، اوراق ویا محلات است که به منظور حفاظت یا ممانعت از تصرف و استفاده از اشیای مورد نظر صورت گرفته باشد؛
۶. محو یا شکستادن مهر از جمله جرایم عمدی محسوب می گردد، و نوع قصد جرمی در آن قصد عام است که شامل علم و اراده می شود؛
۷. کود جزا در تعیین مجازات مرتکب این جرم وصف شخص مرتکب را در نظر داشته و طبق آن برای هر کدام مجازات جداگانه ای راتعیین نموده است، این اشخاص به سه دسته تقسیم می شوند که شامل (اشخاص عادی، محافظ و شخص محکوم به جنایت) می باشند.

۸. مرتکب جرم محو یا شکستاندن مهر حسب احوال به جزای اصلی (نقدی، حبس قصیر و متوسط)، و در صورت تکمیل شرایط به جزای تکمیلی محکوم می‌شود.
۹. مرتکب عمل جرمی فوق به جزای نقدی از سی هزار الی یکصد و هشتاد هزار افغانی محکوم می‌شود.

## فصل سوم

### جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

#### اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

۱. جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی را تعریف نمایند؛
۲. عناصر جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی را به شکل درست تشخیص دهند؛
۳. جزای جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی را در قضایا تطبیق نمایند؛
۴. جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن پست، مکتوب و پارسل را تعریف، عناصر آن را شناسائی و مجازات آن را در قضایا تطبیق نموده بتوانند.

#### عناوین:

۱. جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی:
  - مفهوم جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی
  - عناصر جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی
  - جزای جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی
۲. جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن پست، مکتوب و پارسل.

## فصل سوم

### سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی نوع دیگری از جرایم علیه اسناد است. ارتکاب این جرم گاهی از جانب اشخاص عادی واقع می‌گردد، گاهی از سوی حفاظت‌کننده این اسناد، و گاهی هم به اثر اهمال و غفلت وی. قانونگذار تمام این حالات را در کود جزا جرم انگاری و طبق حالات و کوائف وقوع جرم برای آن جزا پیش بینی نموده است.

این احکام در فصل دوازدهم باب چهارم کتاب دوم کود جزا تنظیم گردیده است که شامل سه ماده (۴۵۸- ۴۶۰) و دو جرم است. این جرایم ضمن دو مبحث بررسی می‌گردد: مبحث اول: سرقت یا تلف نمودن اسناد رسمی و مبحث دوم: پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب پست و پارسل توسط موظف آن.

#### مبحث اول: سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی:

در آغاز این مبحث مفاهیم واژه‌های استفاده شده توضیح می‌گردد (گفتار اول) سپس عناصر و مجازات مورد بحث قرار می‌گیرد (گفتار دوم).

#### گفتار اول: تعریف و مفاهیم:

سرقت و تلف کردن اسناد، به حیث یک اصطلاح مرکب، در قوانین افغانستان، تعریف نشده است هرچند لفظ سرقت و همچنان اسناد به شکل جدا جدا تعریف شده است. از سوی دیگر قانونگذار در متن ماده ۴۵۸ کود جزا رفتار جرمی "پنهان نمودن" اسناد و اوراق رسمی را که در عنوان ماده نیست، ذکر نموده است. بنابراین، میتوان گفت که وصف جرمی "سرقت یا تلف کردن اوراق و اسناد رسمی" شامل رفتار های: سرقت، تلف کردن و پنهان نمودن اوراق و اسناد رسمی، می‌گردد که ذیلاً روی مفاهیم هریک از آنها بحث صورت می‌گیرد.

«سرقت اسناد، اوراق...»: سرقت در فقره اول ماده ۶۹۹ کد جزا به "گرفتن مال منقول غیر بدون رضایت به قصد تملک" تعریف شده است. به این اساس، گفته می‌توانیم که سرقت اسناد رسمی عبارت است از: گرفتن اسناد، اوراق و یا دوسیه‌های دولت و یا اوراق مربوط به دعوی قضایی به قصد تملک. اما اینکه آیا مراد قانون گذار در اینجا همان مفهوم اصطلاحی سرقت است یا اینکه اطلاق این کلمه در اینجا مفهوم دیگری خواهد داشت، موضوعیست که حین بیان ارکان و عناصر این جرم بدان اشاره خواهد شد.

«تلف کردن اسناد، اوراق...»: تلف کردن عبارت است از بین بردن کلی یا جزئی یک شی<sup>۱</sup> یا یک سند که منجر به صدمه دیدن سند مذکور و زایل شدن کلی یا جزئی آن می‌گردد.

«پنهان کردن اسناد، اوراق...»: پنهان کردن اسناد، اوراق و دوسیه عبارت است از انتقال مذکورین از جای معین و معلوم آن به جای نامعلوم چه در محلی که است و یا در محل تحت حیات پنهان کننده و یا محل دیگری به منظور اینکه افراد و ادارات ذی‌ربط از دسترسی به آن محروم شوند.

قانونگذار با این عبارات مختلف خواست هر عملی که منجر به محروم شدن ادارات دولتی و قضایی از اسناد، اوراق و دوسیه‌ها می‌شود را جرم‌انگاری نماید چه حالتی که مجرم اسناد را به نیت تملک اخذ می‌کند، چه حالتی که اسناد را اخذ نمی‌کند بلکه در جایی که قرارداد تلف می‌کند و یا آنرا پنهان می‌کند.

### گفتار دوم: عناصر جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی:

تحت این گفتار عنصر مادی و معنوی این جرم بررسی می‌گردد. عنصر قانونی ضمناً هنگام تعریف مفاهیم و ذکر مجازات بیان می‌گردد.

#### مطلب اول: عنصر مادی:

این جرم از جرایم نتیجه‌جوی است. لهذا، عنصر مادی آن شامل فعل، موضوع جرم، نتیجه و رابطه سببیت می‌شود که هرکدام ذیلاً به شکل مختصر شرح می‌گردد.

۱ - الباحث العربی، مادة تلف: <http://www.baheth.info/all.jsp?term>

**فرع اول: فعل یا رفتار جرمی:**

افعال یا رفتار هایی که در این جرم پیش بینی شده است عبارت است از: سرقت، تلف و پنهان کردن اوراق و اسناد رسمی، که ذیلاً مورد تحلیل قرار می گیرد.

**الف: سرقت کردن:**

طوریکه در بخش تعریف تذکر داده شد، سرقت در کود جزا تعریف اصطلاحی معینی دارد که همان " گرفتن مال غیر به قصد تملک " است، اما اطلاق این اصطلاح در جرم سرقت اسناد، از چند نگاه قابل بحث دانسته می شود:

۱ - در سرقت رکن اساسی این است که مال سرقت شده ملکیت غیر باشد، که در این جا ممکن است در صورتیکه اسناد و اوراق رسمی دولت به اثر اهمال موظف خدمات عامه یا توسط خود وی یا هر شخصی دیگری سرقت گردد، ملکیت غیر ( اداره دولتی)، مطرح می گردد. اما اگر شخصی سند متعلق به خود را که به محکمه یا هر اداره دیگر دولتی تسلیم نموده است، دوباره به شکل مخفی اخذ نماید و یا آن را از دوسیه دعاوی محکمه یا اداره مربوط، بیرون نماید و آنرا از دسترس و حیازت محکمه یا آن اداره دور بسازد، آیا بازهم این وصف جرمی بالای او صدق خواهد کرد؟

۲ - هرگاه شخصی اسناد یا اوراق رسمی دولت را که از جانب محکمه یا اداره دولتی به وی سپرده شده است تا آنرا معاینه نموده سپس مسترد نماید، مسترد نه نموده، نزد خود نگهدارد. به جرم سرقت اسناد، مجازات خواهد شد؟

بناء سوالی که مطرح می گردد این است که آیا مراد قانون گذار از سرقت اسناد، همان سرقت اصطلاحی با تمام شروط و قواعد آن است، یا اینکه مراد از سرقت خارج ساختن اسناد رسمی دولتی و یا هر سند دیگری است که تحت تسلط محکمه یا اداره دولتی قرار گرفته و شخصی بخواهد به هر وسیله آنرا از تسلط اداره یا محکمه بیرون نماید یا آنرا دوباره مسترد ننماید، ولو اینکه سند مذکور ملکیت خود شخص سارق باشد، اما حقوق دولت یا دیگران به آن تعلق گرفته باشد؟ تفسیر مضیق ایجاب می کند که سرقت را محدود به حالاتی سازیم که شخص سند، اوراق و دوسیه غیر را می رباید، نه اسناد و اوراق ملکیت

خود را. اما این به این معنی نیست که شخص می تواند اسناد، اوراق و دوسیه مربوط به خود را بدون جواز قانونی از ادارات دولتی اخذ نماید، زیرا عمل او اگر تحت "سرقت" قرار نگیرد تحت "تلف کردن" و "پنهان کردن" قرار می گیرد چون هدف قانون گذار جرم انگاری تمام رفتارهایی است که منجر به خارج شدن سند از دسترسی اداره و یا محکمه می گردد احتمالاً به همین دلیل در کنار سرقت، الفاظ "تلف کردن" و "پنهان کردن" را نیز به کار برده است تا حالاتی که تحت عنوان "سرقت" قرار نمی گیرد از ساحة جرم خارج نماند.

#### ب: تلف کردن:

مفهوم تلف کردن قبلاً بیان گردید. در اینجا فقط توضیح داده می شود که شرط نیست که در نتیجه تلف نمودن جسم فیزیکی اسناد کاملاً از بین برود، بلکه تلف کردن زمانی متحقق می شود که عمل جرمی سبب شود سند هدفی را که به خاطر آن تهیه شده است افاده کرده نتواند ولو از لحاظ فیزیکی سند سالم به نظر برسد. بنابراین، خط زدن یک سند یا ورق، سیاه کردن، سوختاندن، شستن، پاره کردن.. و غیره اعمالی که منجر به از بین رفتن ذات آن و یا از بین رفتن ارزش حقوقی اسناد و اوراق مذکور می گردد، تلف کردن شمرده می شود. همچنان شرط نیست که تلف کردن بعد از انتقال سند به جایی دیگری آن جام شود و یا مستقیم باشد، بنابراین، کسی که محلی را که اسناد در آن جا قرارداد می سوزاند و یا تخریب می کند و یا آب را به آن سوق می دهد، تلف کننده به حساب می رود. همچنان قانون برای تلف کردن وسیله خاص و یا شکل خاصی را شرط نگذاشته است، بنابراین هر نوع تلف کردن شامل این جرم می شود.

#### ج: پنهان کردن:

پنهان کردن ظاهراً به این مفهوم است که شخصی اوراق یا سند مذکور را از جای معین و مخصوص آن به جای نامعلوم دیگری انتقال دهد تا شخص صاحب حق یا اداره ذی صلاحی که با سند مذکور سروکار دارد به آن دسترسی نداشته باشد. قانون شرط نگذاشته است که پنهان کردن مستقیم باشد، و یا در نتیجه آن سند و اوراق از اداره خارج گردد. بنابراین، هر نوع پنهانکاری ولو غیر مستقیم و یا در داخل اداره مربوطه نیز شامل این جرم می شود. مثلاً شخصی دوسیه را از جای مخصوص آن گرفته عمداً به قصد مخفی

سازی در الماری دیگری و یا در دفتر دیگری قرار می‌دهد تا اشخاص ذیربط آنرا پیدا کرده نتوانند. و یا عمداً به قصد مخفی سازی اوراق یک دوسیه را که عنوان خاص دارد داخل دوسیه دیگر که عنوان دیگری دارد قرار می‌دهد تا اوراق از دید اشخاص ذیربط مخفی گردد. همچنان شرط نیست که پنهان کننده بعد از پنهان کردن سند به آن دسترسی داشته باشد یا نداشته باشد، سند در نتیجه پنهانکاری سالم باشد و یا تلف شود، انگیزه پنهان کننده نیک باشد و یا بد. هیچکدام از این مسایل مسؤولیت جرمی پنهان کننده را از بین نمی‌برد.

### فعالیت شماره (۲۰)

قضیه فرضی:

یکی از زور مندان به زور داخل اداره دولتی می‌شود و یکی از دوسیه‌ها را به طور علنی بدون اینکه آنرا تلف کند و یا پنهان سازد در ملاء عام اخذ نموده به خانه خود انتقال می‌دهد و مدعی می‌شود که این کار را بخاطر منع سوء استفاده آن‌جام داده است و مدعی می‌شود که اسناد را سرقت نکرده، تلف نکرده و پنهان هم نکرده است. بلکه به ژورنالیستان اعلام می‌دارد که دوسیه در الماری خانه وی محفوظ است و هرگاه مامورین اداره مربوطه عوض شوند دوسیه را مجدداً به اداره تحویل می‌دهد؟  
سوال: از نظر شما رفتار شخص مذکور تحت این جرم قابل تعقیب است یا خیر؟ به شکل مستدل بحث نمایید. اگر اسناد مذکور ملکیت خود شخص زورمند باشد، دیدگاه تان در قسمت مجرمانه بودن و یا نبودن رفتار او تغییر می‌کند یا خیر؟ توضیح دهید.

د: اهمال:

اهمال در لغت به معنای غفلت کردن، سستی کردن، تکاهل کردن و چیزی را به حال خودش فرو گذاشتن به کار می‌رود<sup>۱</sup>. اهمال در کود جزا چنین تعریف شده است: «اهمال: که شامل بی‌مبالاتی و غفلت نیز می‌گردد عبارت است از بی‌توجهی یا عدم مواظبت در عملی است که باید آن‌جام شود»<sup>۲</sup>. پس اهمال محافظ در قسمت اوراق، دوسیه و اسناد عبارت است از ترک وظیفه مراقبت و حفاظت و یا سستی و

۱ - لغتنامه دهخدا (نسخه الکترونیک)، واژه اهمال. <http://www.vajehyab.com/dehkhoda> /اهمال+ورزیدن

۲ - کود جزا (۱۳۹۶) ماده ۴ جزء ۱۰.

تقصیر در آن‌جام آن به گونه‌ی که این ترک و یا تقصیر منجر به سرقت، تلف کردن و یا پنهان شدن اوراق و دوسیه‌ها گردد. ترک وظیفه‌ی مراقبت واضح است مانند اینکه محافظ به وظیفه‌ی خود حاضر نشود و یا بدون اجراءات قانونی محل وظیفه‌ی خود را ترک کرده به خانه و یا جای دیگری برود و یا اینکه اسناد را با وجود مکلفیت قانونی تسلیم نشود و رها کند. اما تقصیر در اجرای مراقبت به این معنی است که محافظ وظیفه را ترک نکرده اما طوری که باید آن‌جام دهد آن‌جام نمی‌دهد مثلاً نگهبان در نوبت خود خواب می‌رود و یا به مشاهده‌ی تلویزیون مشغول می‌شود و یا به کار دیگری و این بی‌توجهی سبب می‌شود که اسناد و اوراق سرقت گردد و یا مامور مکلف به حفظ اسناد الماری و مخزن حاوی اسناد را باز می‌گذارد و به خانه می‌رود. معیار تقصیر عبارت است از تخطی از مقررات تنظیم‌کننده‌ی وظیفه‌ی نگهبانی و حفاظت و همچنین تخطی رفتار شخص عادی متوسط الحال. به این معنی که رفتار موظف مکلف به حفاظت ارزیابی می‌شود اگر خلاف مقررات و یا خلاف رفتار شخص متوسط الحال عمل کرده باشد تقصیر وی ثابت است اما اگر مقررات را رعایت نموده باشد و اهمیتی که از شخص عادی تصور می‌رود را به خرج داده باشد، اما با وجود آن دوسیه و یا اسناد و اوراق سرقت شده مثلاً به سبب مهارت سارق و به کارگیری مهارت‌های غیر قابل تصور به محافظ، در این صورت محافظ مسئولیت جرمی ندارد. خلاصه اینکه هرگاه محافظ آنچه را که لازم بود عملی می‌کرد، عملی نکرده باشد، اهمال او ثابت می‌گردد.

#### فرع دوم: شخصیت و صفت مرتکب:

ملاحظه گردید که در این جرم رفتارهای جرمی به دو دسته قابل تقسیم است:

الف: رفتار سرقت کردن، تلف کردن و پنهان کردن: صفت مرتکب از شرایط این رفتارها نیست چون قانون صفت سارق، پنهان کننده و یا تلف کننده را مشخص نکرده است. بنابراین، هر شخصی که عمل مذکور را آن‌جام دهد جرم واقع می‌شود چه موظف خدمات عامه باشد، و یا اشخاص عادی، چه محافظ باشد و یا غیر محافظ.

ب: اهمال منجر به سرقت شدن، تلف شدن و یا پنهان شدن: قانونگذار برای این رفتار جرمی صفت مرتکب را مشخص کرده است که اهمال کننده باید دارای یک صفت خاص باشد که عبارت است از "محافظ بودن". محافظین به دو دسته تقسیم می شوند (یعنی علاوه بر محافظ بودن یک شرط دیگر نیز لازم است):

- محافظینی که مربوط سکتور خصوصی باشند، یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی و یا دولت خارجی. (فقره ۵ ماده ۴۵۸).
- محافظینی که موظف خدمات عامه نیز هستند. (فقره ۱ ماده ۴۵۸).

جزای هر دو دسته محافظین اهمال کننده یکسان پیش بینی شده است (جزای نقدی از سی هزار الی شصت هزار)، لهذا این روش مقنن قابل نقد است چون منجر به طولانی شدن بدون موجب متن قانون شده است.

بنابراین، اهمال کننده باید محافظ باشد. اهمال دیگران این جرم را به وجود نمی آورد. مثلاً اگر محافظ محل وظیفه را ترک می کند و موظف دیگری که مسئولیت محافظت و نگهداری را ندارد نیز اهمال می ورزد و دروازه دفاتر را قفل نمی کند چون قفل کردن دروازه ها وظیفه وی نیست و در نتیجه اسناد سرقت می شود، شخص محافظ مسئولیت جرمی دارد اما موظفی که اخلاقاً اهمال نموده است وظیفه جرمی ندارد. زیرا در حق وی قانوناً اهمال جرمی قابل تصور نیست چون اهمال جرمی در مقابل ترک مکلفیت های قانونی مندرج قوانین جزایی به کار می رود نه در برابر ترک مکلفیت های اخلاقی. بنابراین، اهمال زمانی جرم مندرج این ماده را به وجود می آورد که از نزد شخص خاص که محافظ است صادر شده باشد نه سایر اشخاص.

مراد از محافظ (حفاظت کننده) کسی است که به صورت رسمی و از جانب مقامات ذی صلاح مسئولیت حفظ و نگهداشت اوراق و اسناد مذکور به وی سپرده شده باشد که علاوه بر موظفین امنیتی و نگهبانان مامورینی را شامل می شود که اسناد به آنها تسلیم داده شده و مکلف به حفاظت آن هستند. مراد از موظف خدمات عامه اشخاصی اند که در بند سوم ماده ۴ کود جزا یاد آوری و در فصول گذشته با تفصیل بیان گردیده و نیازی به تکرار آن در این جا دیده نمی شود.

خلاصه اینکه جرم مندرج ماده ۴۵۸ (سرقت، تلف شدن و یا پنهان شدن اسناد) از سوی اشخاص مختلف قابل وقوع است و هرکدام مسؤولیت جرمی خاص خود را دارد:

- گاهی به اثر اهمال محافظ توسط دیگران صورت می گیرد. در این صورت هم محافظ و هم سارق، پنهان کار و تلف کننده مجازات می شوند.
- گاهی این عمل (سرقت، تلف کردن و یا پنهان کردن) توسط خود محافظ انجام می شود که در این صورت محافظ شدیدتر مجازات می شود.
- گاهی بدون اهمال محافظ توسط سایر اشخاص انجام می شود. در این صورت فقط سارق، تلف کننده و یا پنهان کننده مجازات می شوند نه محافظ.

فرع سوم: موضوع جرم: اوراق یا اسناد رسمی:

کود جزا در تعیین موضوع این جرم مشخصاً از اوراق و اسنادی نام برده است که دارای یکی از این دو وصف باشد:

الف: اوراق، اسناد و یا دوسیه ها متعلق به دولت باشد.

ب: اوراق متعلق به دعوای قضایی باشد.

ذکر کلمات اوراق، دوسیه ها و اسناد، چنین افاده می کند که قانون گذار بین ورق و سند تفکیک نموده است، البته سند در قانون مدنی تعریف گردیده است که در صفحات گذشته روی آن بحث صورت گرفته لذا در اینجا نیازی به تکرار آن دیده نمی شود.

«ورق»: اما ورق عام تر از سند بوده و مراد از آن هر آن ورقه‌ای است که حاوی نوشته ای باشد که نزد اداره دولتی و یا در هنگام تحقیق دعوای قضایی اهمیت داشته باشد.<sup>۱</sup> اما سند نوشته ای است که دلیل اثبات شناخته می شود. در حالیکه هر ورقی دلیل اثبات شناخته نمی شود. ناگفته پیداست که سرقت اوراق سفید، و یا اوراقی که باطل شده و شخصی برای سوخت آنرا سرقت می کند تحت این جرم قابل تعقیب عدلی نیست زیرا مراد از ورق در اینجا اوراقی است مکتوب که ارزش دلالتی داشته باشد.

<sup>۱</sup> - حسنی، نجیب، شرح قانون العقوبات، القسم الخاص ۱۲۵۹.

«دوسیه‌ها»: مراد از دوسیه دوسیه‌های حاوی اسناد و اوراق است. سرقت دوسیه‌های خالی تحت این ماده قابل تعقیب نیست مگر اینکه سرقت کننده به نیت سرقت اسناد و یا اوراق مکتوب دوسیه را سرقت نموده باشد و بعداً متوجه شود که خالی است که این حالت تحت شروع به جرم قابل تعقیب می‌باشد. از سوی دیگر، تعیین ورق و سند من حیث اشیایی که موضوع این جرم قرار می‌گیرند، این مطلب را افاده می‌نماید که هرگاه بغیر از سند یا ورقه، اشیای دیگری که متعلق به دولت بوده و یا مخصوصاً حین تحقیق دعاوی قضایی به محکمه تقدیم شده باشد، مورد سرقت، تلف یا پنهان کردن قرار گیرد، این وصف جرمی را به خود نمی‌گیرد.

اسناد از لحاظ ارزش به دو دسته تقسیم شده است:

- اسناد اوراق و یا دوسیه‌های عادی که قبلاً رویش بحث صورت گرفت واحکام آن در ماده ۴۵۸ پیش بینی گردیده است.

- اسناد دارای ارزش ملی: احکام سرقت، تلف یا پنهان نمودن این اسناد در ماده ۴۵۹ تنظیم شده و جزای نسبت به نوع اول شدیدتر پیش بینی شده است. اسناد دارای ارزش ملی درکود جزا تعریف نشده است اما با دقت در سیاق جمله میتوان گفت که مراد از اسناد دارای ارزش ملی همان اسنادی است که متعلق به یک اداره و یا نهاد خاص دولتی نبوده بلکه متعلق به عموم مردم یا مرتبط به مصالح و منافع ملی کشور بوده، تاثیر و تعلق آن از سایر اسناد دولتی بیشتر و مهمتر باشد، مانند پیمان‌ها یا معاهدات امنیتی یا سیاسی که آثار آن فراگیر و در سطح ملی قابل اهمیت باشد.

سرقت، تلف کردن یا پنهان کردن معلومات: در نهایت، قابل ذکر است که قانون گذار در فقره پنجم ماده ۴۵۸ این کود سرقت، پنهان کردن یا تلف کردن معلومات را نیز جرم انگاری و برای آن مجازات معینی را پیش بینی نموده است.

فعالیت شماره (۲۱)

قضیه فرضی:

وکیل مدافع یکی از طرفین دعوی، دفاعیه ای را همراه با مجموعه از اسناد و مدارک، در جواب ادعای طرف مقابل به محکمه تقدیم می نماید، سپس متوجه می گردد که یکی از اسناد ارایه شده به محکمه به ضرر وی بوده و در صورت اطلاع محکمه از سند مذکور، قضیه به ضرر وی خاتمه خواهد یافت. لذا موکل خود را تشجیع می کند تا سند مذکور را از محکمه متذکره بیرون یا در همان جا تلف نماید تا قضیه به ضرر وی تمام نشود. و به عوض آن سند دیگری را بدون علم محکمه به دوسیه دعوی اضافه نماید. موکل وی که خود در دعوی طرف می باشد، سند مذکور را از دوسیه دعوی سرقت نموده و به جای آن سند دیگری را جابجا می نماید. اما هنگام بیرون شدن از محکمه گرفتار و به این جرم محاکمه می گردد. وی در جواب اتهام می گوید سندی را که سرقت نموده است، متعلق به خودش و ملکیت وی می باشد، لذا وصف سرقت در حق وی درست نمی باشد زیرا وی به ملکیت غیر تعرضی نکرده است.

سوال:

- ۱- آیا ادعای متهم درست و قانونی بوده و شخص مذکور از ارتکاب این جرم مبرا دانسته می شود یا خیر؟
- ۲- اگر عمل شخص مذکور جرم باشد، پس چه وصف جرمی برای آن مناسب خواهد بود؟

### فرع چهارم: نتیجه و رابطه سببیت:

نتیجه جرمی و رابطه سببیت در این جرم حسب رفتارها متفاوت می باشد. رفتارهای جرمی به دو بخش قابل دسته بندی اند:

یک: نتیجه و رابطه سببیت در رفتار سرقت کردن، پنهان کردن و تلف کردن اسناد و اوراق:

نتیجه جرمی در حالت سرقت این است که اسناد و اوراق از حیات اداره خارج و به حیات سارق قرار بگیرد. نتیجه پنهان کردن این است که اسناد و اوراق از دسترس اشخاص ذی صلاح مخفی گردد چه محل آن انتقال یابد و یا داخل ظرف و دوسیه مختلف با عنوان مختلف گذاشته شود و یا از یک اداره به اداره دیگری انتقال یابد. نتیجه تلف شدن این است که سند به شکل جزئی و یا کلی طوری آسیب بیند که

مدلولی را که بخاطر آن تهیه گردیده است افاده نتواند. تمام نتایج فوق باید با رفتار جرمی مرتکب جرم رابطه سببیت متعارف داشته باشد. در غیر آن مرتکب عمل مسؤولیت جرم تام را نخواهد داشت.

#### دو: نتیجه و رابطه سببیت در اهمال محافظ:

نتیجه اهمال طوری که در قانون مشخص شده است این است که منجر به سرقت، پنهان کردن و یا تلف کردن اسناد شود. بنابراین، هرگاه محافظ اهمال نماید، اما اسناد و اوراق سرقت، پنهان و یا تلف نشود مانند اینکه محافظ خواب نماید و کسی اسناد و اوراق را دست نزند، در این حالت این جرم واقع نمی شود نه کامل و نه به شکل شروع به جرم زیرا در شروع به جرم شرط است که عمل به قصد تحقق نتیجه آن جام شده باشد و در این مثال محافظ به نیت سرقت شدن و یا تلف شدن خواب نکرده است. همچنان اگر نتیجه با اهمال محافظ رابطه سببیت نداشته باشد محافظ مسؤولیت ندارد مانند اینکه به سبب خرابی سیستم نلدوانی و یا بارش شدید، آب به الماری سرایت نماید و اسناد تلف شود و یا به سبب جرقه برق حریق صورت گیرد و اسناد تلف شود. در تمام این حالات محافظ مسؤولیت ندارد. زیرا مراقبت از سیستم نلدوانی و لندوانی مسؤولیت محافظ نیست مگر اینکه چنین مسؤولیتی را به اساس لوایح و یا عقد پذیرفته باشد.

#### مطلب دوم: عنصر معنوی :

جرم سرقت و تلف کردن اسناد از جمله جرایمی است که شیوه های عمدی و خطای آن هردو پیش بینی و جرم انگاری گردیده است. لهذا عنصر معنوی آن شامل علم و اراده و خطای جرمی می گردد. شکل عمدی آن را در رفتار های سرقت، تلف کردن و پنهان کردن اوراق و اسناد رسمی و شکل خطای آنرا در اهمال موظف خدمات عامه که منجر به سرقت اسناد و اوراق رسمی گردد، میتوان تصور کرد. عنصر معنوی جرایم عمدی را علم به ماهیت رفتار جرمی و داشتن اراده یا سوء نیت و قصد برای ارتکاب آن تشکیل میدهد. لهذا لازم است که سرقت، تلف کردن و پنهان کردن اسناد و اوراق رسمی دولت آگاهانه

و عامدانه آن‌جام شده باشد در صورتیکه شخصی دوسیه‌ی مربوط به اداره‌ی دولتی را اشتبهاً اخذ می‌کند به گمان اینکه دوسیه‌ی که با خود دارد و روی میز موظف گذاشته است، جرم متحقق نمی‌شود. شکل خطای آن در قسمت رفتار جرمی اهمال موظف خدمات عامه و یا محافظ که اهمال وی منجر به وقوع سرقت، تلف یا پنهان شدن اسناد یاد شده باشد، ظاهر می‌شود. زیرا که اهمال شکلی از اشکال خطا است که بدون آگاهی و داشتن سوء نیت، تحقق یافته و شخص مستحق مجازات شناخته می‌شود. فراموش نباید کرد که در اشکال عمدی جرم سرقت اسناد رسمی، تلف کردن و یا پنهان کردن آن‌ها داشتن علم و آگاهی از موارد زیر شرط است:

الف: علم به اینکه موضوع عمل اسناد و اوراق است و متعلق به دولت می‌باشد،

ب: یا علم به اینکه اسناد و اوراق مذکور متعلق به یکی از دعاوی اقامه شده در قضاء است.

### فعالیت شماره (۲۲)

#### سوال مباحثوی:

کود جزا مشخصاً از سرقت، تلف کردن و پنهان نمودن اسناد و اوراق رسمی دولتی نام برده و آن را جرم انگاری نموده است، اما در رابطه به اعمال همین رفتارهای یاد شده در قسمت اسناد و اوراق غیر رسمی یا شخصی، حکمی را بیان نکرده است.

بناء هرگاه شخصی دست به سرقت، تلف کردن یا پنهان کردن اسناد غیر دولتی یا شخصی بزند، آیا عمل ارتكابی وی چه وصفی جرمی داشته و چه مجازات را در پی خواهد داشت؟

### گفتار سوم: جزای سرقت و یا تلف کردن اسناد رسمی:

جزای این جرم حسب حالات جزای نقدی و حبس پیش بینی شده است که از سی هزار افغانی جزای نقدی آغاز و تا حد اکثر حبس طویل تشدید می یابد. قانون گذار در تعیین جزا صفت مرتکب (محافظ است یا غیر محافظ)، موضوع جرم (که اسناد دارای ارزش ملی است و یا اسناد و اوراق عادی) و اخیراً چگونگی ارتکاب جرم را (که به سبب اهمال محافظ انجام شده و یا به شکل عمدی و یا به شکل اکراه) مورد توجه قرار داده است. در سطور ذیل جزای حالت عادی و حالات مشدده این جرم بیان ضمن دو مطلب می گردد.

#### مطلب اول: جزای حالت عادی جرم سرقت یا تلف کردن اسناد رسمی:

حالت عادی این جرم حالتی است که اشخاص عادی (غیر محافظین) به سرقت اسناد و اوراق دولت و یا مرتبط به دعوی قضایی که دارای ارزش ملی نیست اقدام می ورزند. این سرقت، تلف کردن و یا پنهان کردن ممکن به سبب اهمال محافظ انجام شود و یا بدون آن. در صورتیکه عمل جرمی به سبب اهمال محافظ انجام شده باشد هر دو گروه به گونه ذیل قابل مجازات هستند.

- سارق، تلف کننده و یا پنهان کننده اسناد به حبس متوسط محکوم می گردد (فقره ۲ ماده ۴۵۸).
- محافظ اهمال کننده به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می شود (فقره ۱ و ۵ ماده ۴۵۸).

تبصره:

یک: ملاحظه می شود که قانون گذار صفت " سارق ، تلف کننده یا پنهان کننده اشیای مندرج فقره (۱) این ماده " را مشخص نکرده است. لهذا آنها می توانند از جمله اشخاص عادی باشند یا موظف خدمات عامه. اما محافظینی که مکلف به حفاظت از اوراق، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی

قضایی هستند، شامل این حکم نمی شوند چون قانون در قسمت آنها حکم مختلف ذکر نموده است (فقرة ۳ ماده ۴۵۸) و بر اساس اصل تخصیص عام حکم خاص بالای آنها تطبیق می شود.

دو: قانون گذار حکم محافظین اهمال کننده را در دو فقرة متفاوت ذکر نموده است: محافظینی که مؤظف خدمات عامه هستند (فقرة ۱ ماده ۴۵۸) و محافظینی که مؤظف خدمات عامه نیستند (فقرة ۵ همین ماده)؛ ملاحظه می گردد که حکم مندرج هردو فقرة یکی است و جزای هردو گروه جزای نقدی از سی هزار الی شصت هزار پیش بینی شده است. لہذا، این روش مقنن قابل نقد است.

سه: در فقرة ۵ ماده ۴۵۸ از مجازات مؤظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی نیز یاد شده است. در این خصوص باید دقت شود که آیا دولت افغانستان صلاحیت تعقیب عدلی آنها را دارد یا خیر، چون مصؤونیت های دیپلماتیک ممکن مطرح باشد. در صورت موجودیت شرایط تعقیب عدلی لازم است اجراءات شکلی مندرج ماده شصت قانون اجراءات جزایی رعایت شود<sup>۱</sup>.

### مطلب دوم: جزای حالت مشدده جرم سرقت و تلف کردن اسناد و اوراق رسمی:

جزای این جرم در حالات مختلف حسب اوضاع و احوال مرتبط به مجرم، موضوع جرم و یا کیفیت ارتکاب جرم تشدید یافته است که ذیلاً تحت دو فرع بیان می گردد: فرع اول: هرگاه موضوع جرم اسناد دارای ارزش عادی باشد، و فرع دوم: هرگاه موضوع جرم اسناد دارای ارزش ملی باشد.

۱ - ماده ۶۰ قانون اجراءات جزایی (۱۳۹۳) «(۱) هرگاه روسای دول خارجی و مؤسسات بین المللی یا نمایندگان و اعضای هیئت دیپلماتیک آنها در افغانستان مرتکب جرم شوند، تحریک دعوی جزائی علیه آنها با رعایت حقوق بین الدول عمومی به موافقه وزارت امور خارجه و هدایت تحریری لوی خرنوال صورت می گیرد. (۲) در صورتیکه اشخاص یا مقامات مندرج فقرة (۱) این ماده مورد تعرض قرار گیرند، تحریک دعوی علیه مرتکب موکول به درخواست مقام موصوف می باشد».

**فرع اول: جزای سرقت، تلف کردن و یا پنهان کردن اسناد و اوراق دارای ارزش عادی:**

هرگاه اسناد و اوراق عادی که ارزش ملی ندارد موضوع جرم باشد در دو حالت جزای آن تشدید یافته است: هرگاه جرم توسط محافظ اسناد متذکره آن جام شده باشد، و یا جرم توأم با اکراه محافظ آن جام شده باشد.

- در حالت اول جزای مرتکب جرم حد اکثر حبس متوسط پیش بینی شده است (فقرة ۳ ماده ۴۵۸).
- و در حالت دوم جزای مرتکب جرم حبس طویل پیش بینی شده است (فقرة ۴ ماده ۴۵۸).

فقرة ۳ و ۴ ماده ۴۵۸ در این خصوص چنین تصریح میدارد: " (۳) هرگاه فاعل جرم مندرج فقرة (۱) این ماده محافظ آن باشد، به حد اکثر حبس متوسط، محکوم می گردد (۴) هرگاه سرقت، پنهان نمودن یا تلف کردن اشیای مندرج فقرة (۱) این ماده به اثر اکراه محافظ صورت گیرد، مرتکب به حبس طویل، محکوم میگردد."

**تبصره: علت تشدید مجازات محافظ:**

جزای محافظی که مکلف به حفظ اسناد و اوراق است به این خاطر تشدید یافته است که مذکور علاوه بر اینکه به اسناد و حقوق مندرج آن آسیب رسانده است، اعتماد عمومی اداره و مردم را که نسبت به او نموده اند نیز خدشه دار نموده است و همچنان زمینه ارتکاب این جرم برای وی بیشتر میسر است، لهذا جزای وی تشدید یافته است.

فعالیت شماره (۲۳)

سوال مباحثی:

مراد از "اکراه محافظ" چیست؟ آیا حالتی را دربر می گیرد که محافظ دیگران را اکراه می نماید؟ و یا حالتی که محافظ از سوی دیگران مورد اکراه قرار می گیرد؟

فرع دوم: سرقت، تلف کردن و یا پنهان کردن اسناد دارای ارزش ملی:

سرقت این اسناد ممکن به سبب اهمال مؤلف خدمات عامه آن جام شده باشد، و ممکن بدون اهمال وی. در هردو حالت جزای این جرم سنگینتر پیش بینی شده است:

- جزای سرقت کننده، تلف کننده و یا پنهان کننده حد اکثر حبس طویل پیش بینی شده

است (فقرة ۱ ماده ۴۵۹ کود جزا)

- جزای مؤلف اهمال کننده حبس متوسط پیش بینی شده است (فقرة ۲ ماده ۴۵۹ کود جزا).

ماده ۴۵۹ در زمینه چنین تصریح میدارد که:

«(۱) شخصی که اسناد دارای ارزش ملی را سرقت، تلف یا پنهان نماید، به حد اکثر حبس طویل، محکوم می گردد.

(۲) هرگاه سرقت یا اتلاف اسناد مندرج فقرة (۱) این ماده به اثر اهمال موظف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط، محکوم می گردد».

تبصره:

یک: جزای سرقت، تلف کردن و یا پنهان کردن اسناد دارای ارزش ملی با اختلاف صفت مرتکب تفاوت نمی یابد. این نوع اسناد را هرکس که سرقت نماید چه محافظ آن باشد و یا غیر محافظ، موظف خدمات عامه باشد و یا غیر موظف جزای شان یکی است. درحالیکه در نوع اول، مشاهده نمودیم که جزا حسب شخصیت مرتکب تغییر می نمود. این روش مقنن قابل نقد است چون جزای محافظ و غیر محافظ را یکی دانسته است به و یژه اینکه "حد اکثر حبس طویل" برای قاضی هیچ صلاحیت تخیری در بین حد اقل و حد اکثر نمی دهد تا هرکدام را مطابق حالت او محکوم به جزا نماید.

دو: در قسمت اهمال موظف خدمات عامه که منجر به سرقت این نوع اسناد می شود، قانون تصریح نکرده است که موظف مذکور محافظ این اسناد باشد و در این خصوص مکلفیت داشته باشد. این نکته نیز قابل نقد است زیرا اهمال از شخصی تصور می رود که مکلفیت قانونی به آن جام کاری داشته باشد اما در اجرای آن سستی و اهمال نماید. جایی که مکلفیت نباشد اهمال نیز نیست. بنابراین، عدالت ایجاب می کند که این قید را (قید مکلف بودن به حفاظت) را فرض شده تلقی نماییم، بدلیل اینکه واژه "اهمال" چنین چیزی را اقتضاء دارد. در جزء ۱۰ ماده ۴ کود جزا اهمال چنین تعریف شده است: «اهمال: که شامل بی مبالاتی و غفلت نیز م یگردد عبارت است از بی توجهی یا عدم مواظبت در عملی است که باید آن جام شود»<sup>۱</sup>. جزء اخیر تعریف صراحتاً از مکلفیت بحث می کند.

#### فعالیت شماره (۲۴)

۱ - کود جزا (۱۳۹۶) ماده ۴ جزء ۱۰.

**تفکر انتقادی:**

قانون گذار در فقره ۵ ماده ۴۵۸ از سرقت اسناد یا معلوماتیکه به اثر غفلت یا اهمال موظف دولت خارجی، یا سازمان بین المللی یا بین الحکومتی یا مؤسسه غیر دولتی یا بخش خصوصی که به حفاظت اسناد و معلومات مکلف باشد، یاد آوری نموده است، اما از سرقت اوراق این نهادها نامی نبرده است.

البته این روش قانون گذار در این فصل، سوالات ذیل را ایجاد می نماید:

الف: ازینکه کلمه «اوراق» در این صورت جرمی، از متن ماده قانون حذف گردیده است، آیا میتوان گفت که در این جا سرقت، تلف یا پنهان نمودن اوراقی که اشخاص مذکور مکلف به حفاظت آنها می باشد جرم شناخته نمی شود؟

ب: قانون گذار صرفاً در همین فقره از سرقت، تلف کردن و پنهان نمودن معلومات متعلق به ادارات ذکر شده، یاد آوری نموده است، پس آیا سرقت معلومات متعلق به ادارات دولتی به شمول محکمه، یا تلف کردن و پنهان نمودن آنها، را نیز میتوان جرم انگاری نموده و بر آن قیاس کرد، در حالیکه معلومات متعلق به ادارات دولتی از حیث اهمیت، به مراتب بیشتر و مهمتر از معلومات مربوط به ادارات یاد شده در این فقره می باشد؟

### مبحث دوم: پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل:

محرمیت مراسلات یکی از حقوق اساسی اتباع است که در ماده ۳۷ قانون اساسی کشور چنین تسجیل یافته است: «آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفن، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون». نقض محرمیت مراسلات بیشتر از سوی موظفین خدمات پستی تصور می‌رود زیرا آنها به حکم وظیفه به مراسلات اشخاص دسترسی دارند. لهذا، قانون‌گذار تخطی‌های آنها را در ماده ۴۶۰ کود جزا جرم شمرده است. خدمات پستی از جمله خدمات عامه شمرده می‌شود و در گذشته در انحصار دولت قرار داشت و اشخاص خصوصی صلاحیت آرایه آنرا را نداشتند<sup>۱</sup>. اما اکنون سکتور خصوصی نیز این خدمات را ارائه می‌نماید، لهذا کود جزا در قسمت مرتکب این جرم عوض واژه "موظف خدمات عامه" از اصطلاح "موظف پست" یا شخصی دیگری که به منظور انجام این امر توظیف گردیده است» استفاده نموده است.

ماده ۴۶۰ کود در رابطه به این جرم چنین تصریح می‌دارد: «هرگاه موظف پست یا پارسل یا شخصی دیگری که بمنظور انجام این امر توظیف گردیده است، مکتوب، پست یا پارسل تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا به این منظور برای دیگران سهولت فراهم سازد، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد».

ذیلاً مفاهیم، عناصر و مجازات این جرم تحت سه گفتار شرح می‌گردد.

۱ - ماده ۲ قانون پست چنین صراحت دارد: «فعالیت مربوط به خدمات پستی منحصراً از وظیفه حکومت بوده وزارت مخابرات آنرا به عهده دارد. اشخاص حقیقی یا حکمی دیگری نمی‌توانند به چنین فعالیت مبادرت ورزند».

## گفتار اول: شرح مفاهیم:

«پُست»: پست عبارت است از «اداره ای که نامه ها و امانات از جائی بجائی برد و رساند»<sup>۱</sup> و یا «روشی برای فرستادن نامه و مرسولات پُستی مانند بسته و پاکتهای بزرگ»<sup>۲</sup>. پس واژه پُست: گاهی به معنی خدمات پستی<sup>۳</sup> و گاهی بر اداره<sup>۴</sup> که این خدمات را ارائه می کند (پسته خانه) اطلاق می شود.

«پارسل»: پارسل عبارت از بسته های پُستی است که شامل آدرس فرستنده و گیرنده بوده و حاوی اسناد، مکاتیب خصوصی، مکاتیب رسمی، تحایف، اجناس و اموالی که دارای ارزش تجارتي اند و یا نه، می شود.<sup>۵</sup> طرز العمل طی مراحل گمرکی پُست و پارسل (۱۳۹۳) محموله های پستی را به سه بخش تقسیم نموده است: اسناد (مکاتیب خصوصی و رسمی، کارتها، بندلهای کاغذ، مطبوعات و غیره)، بسته های پستی و کارگو. تمام آنها را به نام "محموله" یاد نموده است. احکام پارسل در قانون پست ۱۳۵۲ و مقررات پست ۱۳۵۴ و تعدیلات آن تنظیم شده است.

«مکتوب»: مراد از مکتوب اوراقی نوشته شده است. قانون پست در ماده ۸ خود از سه نوع مکتوب یاد آوری نموده است:

الف: مکاتیب خصوصی یعنی ارسالی هائیکه حامل احوال شخصی اند.

ب: مکاتیب رسمی یعنی ارسالی هائیکه حامل احوال رسمی اند.

ج: مکاتیب سرویسی یعنی مراسلاتیکه بین ادارات پستی تبادل می گردد». افزون بر مکاتیب، قانون متذکره از اوراق مکتوب دیگری به نام کارتهای پستی و مراسلات مطبوع یا نشراتی یاد نموده است. کارتهای پستی «به شکل ورقه کاغذ ضخیم یا قطعه که در آن احوال شخصی درج و به صورت سرباز ارسال می شود». هرچند مراسلات مطبوع، عبارت است از مراسلات «مطبوع یا نشراتی که روی کاغذ یا کدام

۱ - لغتنامه دهخدا واژه «پست» - <http://www.vajehyab.com/dehkhoda> - پست-۶

۲ - <https://fa.wikipedia.org/wiki/پست>

۳ - Postal Service.

۴ - Post Office.

۵ - قانون پست (۱۳۵۲)، ماده ۸. مسوده قانون خدمات پستی جدید هنوز نافذ نشده است.

ماده شبیه کاغذ توسط طریقه های مختلف ماشین بدست آمده و علامت مشخصه آنها تعداد طبع آنها است.<sup>۱</sup>

**گفتار دوم: عناصر جرم پنهان نمودن مکتوب، پست یا پارسل:**

### مطلب اول: عنصر مادی:

جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل از جرایم مطلق است، چون حق محرمیت مراسلات با فعل آمیخته است. به این معنی که مجرد پنهان کردن، یا باز کردن و یا افشاء کردن پارسل این حق را متضرر می سازد. لهذا عنصر مادی آن شامل رفتار جرمی، شخصیت مرتکب و موضوع جرم می شود که هرکدام ذیلاً شرح می گردد.

### الف: رفتار مادی (فعل):

افعال جرمی پیش بینی شده در این ماده عبارت است از:

۱. پنهان نمودن (مکتوب، پست یا پارسل)

۲. افشاء نمودن (مکتوب، پست یا پارسل)

۳. باز نمودن (مکتوب، پست یا پارسل)

۴. فراهم کردن سهولت به دیگران به منظور یکی از افعال سه گانه فوق.

چون کود جزا تصریح کرده است: «هرگاه موظف پست یا شخصی دیگری که به منظور انجام این امر توظیف گردیده است، مکتوب، پست یا پارسل تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا به این منظور برای دیگران سهولت فراهم سازد...».

۱ - ماده ۸ قانون پست، ۱۳۵۲.

**ب: شخصیت مرتکب:**

نظر به متن فوق، مرتکب جرم باید از موظفین پست و یا اشخاصی که به این منظور توظیف شده اند باشد. موظفین پست شامل موظفین سکتور عمومی و خصوصی هردو می شود. آنها کسانی اند که به اساس قرارداد در اداره‌ای کننده خدمات پستی استخدام می شوند و به حیث کارمند ایفای وظیفه می نمایند. قانونگذار در کنار مؤلف پست عبارت «یا شخصی دیگری که به منظور انجام این امر توظیف گردیده است» را به کار برده است. هدف از این عبارت تعمیم ساحت حمایت جزایی از مراسلات است چون ممکن احیاناً اداره، به حکم ضرورت‌های کاری اشخاصی را به حیث مؤقت استخدام نماید و یا به اساس قراردادی (نه کارمند) با آنها عقد نماید و آنها را موظف به حمل و نقل و یا توزیع مراسلات و پارساها نماید. لہذا، کود جزا خواست این دسته اشخاص را نیز تحت این ماده قرار دهد تا از محرمیت مراسلات خوبتر حفاظت شود.

بنابراین، اگر غیر از مذکورین پارسلی را پنهان، باز و یا افشاء می نمایند و یا برای دیگران سهولت فراهم می کنند، تحت این جرم قابل تعقیب عدلی نیستند. مثلاً زمانیکه یکی از ارباب رجوع به دفتر پستی غرض ارسال پارسال خود مراجعه می کند و ضمناً پارسلی دیگری را که فکر می کند در آن اشیای با ارزش است باز می کند، اما متوجه می شود که شامل نامه می باشد و آنرا به جای آن می گذارد. این شخص تحت این ماده قابل تعقیب عدلی نیست.

**فعالیت شماره (۲۵)****سوال مباحثی:**

هرگاه دیگران (یعنی غیر موظفین پست و یا اشخاصی که به این منظور توظیف شده اند) مرتکب رفتارهای فوق می شوند (پنهان کردن، باز کردن، افشاء کردن، فراهم کردن تسهیلات)، رفتارشان جرم است یا خیر؟ و یا اینکه برخی از این رفتارها مانند افشاء نمودن جرم انگاری شده و برخی دیگر مانند باز کردن جرم انگاری نشده است؟ اشتراک کنندگان با دلیل مناقشه و بحث نمایند.

**ج: موضوع جرم:**

موضوع جرم عبارت است از: مکتوب، پست یا پارسل مشروط به اینکه به شخص موظف به حکم وظیفه تسلیم شده باشد. چون قانون تصریح کرده است «هرگاه موظف... مکتوب، پست یا پارسل تسلیم شده پنهان، افشاء یا باز نماید...». لهذا اسناد و یا محموله هایی که غرض ارسال به این اداره تسلیم نمی شود (یعنی پارسلهای پستی نیستند) مانند کارتنی که حاوی خریداری های اداره خدمات پستی است که از آن استفاده می نماید، اگر از سوی موظفین پنهان می شود، یا باز می شود، و یا افشاء می شود این جرم واقع نمی شود. البته پنهان کردن به نیت تملک ممکن تحت جرم اختلاس قرار گیرد.

**مطلب دوم: عنصر معنوی:**

این جرم از جرایم عمدی است و نوع قصد جرمی در آن قصد عام است که شامل علم و آگاهی می شود. به این معنی که مرتکب جرم باید آگاهانه و عامدانه رفتار جرمی را ارتکاب گردیده باشد. علم و آگاهی به تمام عناصر جرم به استثنای عنصر قانونی لازم است. یعنی باید آگاه باشد که موظف پست است و یا به این کار توظیف شده است، باید بداند که موضوع مکتوب و یا پارسل پستی است یعنی از سوی شخصی (مرسل) به شخص دیگری (مرسل الیه) فرستاده می شود و از ماهیت رفتار خود آگاه باشد.

**گفتار سوم: جزای جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل:**

طبق ماده ۴۶۰ کود جزا مرتکب این جرم «به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می شود». قابل ذکر است که افشای محتوی مکتوب، پست یا پارسل حسب احوال اوصاف جرمی دیگری نیز می گیرد و همچنان پنهان کردن این اشیاء اگر به منظور تملک محتوی پارسل باشد تحت عناوین جرمی دیگری نیز قرار می گیرد. لهذا، نیاز می رود قضات و شارنوالان به جنبه های مختلف این جرم توجه نمایند.

## نتیجه گیری فصل سوم:

مهمترین نتایج این فصل عبارت است از:

۱. در این فصل دو جرم بررسی گردید: جرم سرقت یا تلف نمودن اوراق و اسناد رسمی و جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست و پارسل توسط موظف آن.
۲. جرم سرقت یا تلف نمودن اوراق و اسناد رسمی در کد جزا یا سایر قوانین جزایی کشور تعریف دقیق و اصطلاحی نشده است بلکه قانون گذار تحت عنوان این جرم مستقیماً به چگونگی وقوع و بیان مجازات آن پرداخت است.
۳. عناصر مادی جرم سرقت و تلف نمودن اسناد رسمی شامل: شخصیت مرتکب (محافظ و اشخاص عادی) فعل (سرقت کردن، تلف کردن، پنهان کردن) موضوع جرم (اوراق و اسناد رسمی، اسناد داری ارزش ملی)؛ نتیجه و رابطه سببیت می باشد.
۴. موضوع جرم سرقت و تلف نمودن اسناد رسمی، اوراق یا اسنادی است که:
  - الف: متعلق به دولت باشد.
  - ب: متعلق به دعوای قضایی باشد.
۵. افزون برآن، قانون گذار در فقره پنجم ماده ۴۵۸ این کد سرقت، پنهان کردن یا تلف کردن معلومات را نیز جرم انگاری و برای آن مجازات را تعیین نموده است.
۶. در صورت تحقق این جرم به اثر اهمال، رفتار جرمی اهمال، مقید به نتیجه بوده و نتیجه مد نظر هم تحقق سرقت، پنهان شدن یا تلف شدن می باشد. اما در حالت عمدی که خود موظف خدمات عامه یا اشخاص دیگری، اقدام به سرقت، پنهان یا تلف نمودن می نماید در این صورت جرم مطلق می باشد، و در این جا وجود رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه نیز حتمی خوانده می شود.
۷. عنصر معنوی این جرم نیز در صورت ارتکاب عمدی آن علم به غیر قانونی بودن رفتار جرمی و داشتن سوء نیت و اراده برای ارتکاب آن بوده و افزون بر آن داشتن علم به اینکه اوراق یا اسناد متعلق به دولت یا متعلق به دعوای قضایی باشد نیز شرط پنداشته می شود. اما تحقق این جرم به اثر اهمال موظف، خالی از عناصر قصد وارده خواهد بود.

۸. قانون گذار در تعیین و سنجش مجازات مرتکبین این جرم، وصف مرتکب (اشخاص عادی و محافظ) چگونگی وقوع جرم (وقوع سرقت به سبب اهمال موظف خدمات عامه، موظف دولت خارجی یا سازمان های بین المللی یا بین الحکومتی، موظفین موسسات غیر دولتی یا خصوصی) نحوه ارتکاب جرم (اکراه محافظ) و ارزش سند موضوع جرم و اهمیت آن (اسناد دارای ارزش ملی) را مد نظر داشته و نظر به حالات و اوضاع یاد شده، برای ارتکاب این جرم مجازاتی را تعیین نموده است.
۹. مجازات این جرم از سی هزار افغانی جزای نقدی شروع و حسب حالات و کوائف جرمی تا حد اکثر حبس طویل تشدید می یابد.
۱۰. جرم پنهان، افشاء یا باز نمودن مکتوب، پست یا پارسل توسط موظف خدمات عامه از جمله جرایم مرتبط به جرم سرقت و تلف نمودن اسناد رسمی بوده عناصر آن را شخصیت مرتکب (موظف) رفتار جرمی (پنهان نمودن، افشاء نمودن، باز نمودن و فراهم سازی سهولت برای دیگران) موضوع جرم (مکتوب، پست و پارسل) نتیجه و رابطه سببیت تشکیل می دهد. مجازات آن نیز حسب احوال جزای نقدی از ده هزار الی سی هزار افغانی تعیین گردیده است.

## مآخذ

الف: قوانین:

۱. کود جزای ۱۳۹۶

۲. قانون جزای ۱۳۵۵

۳. قانون مدنی ۱۳۵۵

ب: کتابها:

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد، لسان العرب، دار صادر بیروت.

۲. حسنی، محمود نجیب، شرح قانون العقوبات القسم الخاص، دار نافع للطباعة والنشر، قاهره، ۱۹۷۸.

۳. الدرّة، ماهر عبد شویش، شرح قانون العقوبات، المكتبة القانونية، بغداد، (نسخه PDF).

۴. قانون العقوبات فی ضوء أحكام محكمة النقض، مكتبة رجال القضاء، چاپ ۲، قاهره، ۲۰۰۳.

۵. مرتضوی، سعید، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۶. فیض الله فیض و فرید احمد نوری، نقد و بررسی تطبیقی و اصلاحی بر کود جزای افغانستان، چاپ اول، کابل: انتشارات سحر، ۱۳۹۷.

۷. احمد فتحی سرور، الوسیط فی قانون العقوبات- القسم الخاص-، دار النهضة، چاپ ۴، القاهرة، ۱۹۹۱.

۸. لغت نامه دهخدا (نسخه الکترونیک)

۹. [https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post\\_۶۹.html](https://trabeenayyat.blogspot.com/۲۰۱۴/۰۹/blog-post_۶۹.html)

۱۰. <http://www.vajehyab.com/?q>

۱۱. <http://www.baheth.info/all.jsp?term.>